



جلسه ۲۰۳

سه‌شنبه ۱۷ ذیحجه ۱۰ دی ۱۳۵۳

۱۳۵۳
۱۳۹۲
۱۹۷۲

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت‌مشرح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه (۱۰) دی‌ماه ۱۳۵۳

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- ۲- ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون.
- ۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه.

مجلس ساعت ۹ و ده دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.
- (بشرح زیر خوانده شد)
- غائبین با اجازه آقایان:

دکتر ابوالهدی - احتشام شهیدی - احمد - اسلامی - نیا -
 دکتر برزگر - مهندس بهبهانی - بهنیا - پیرزاده - جعفری
 دکتر حبیب‌اللهی - مهندس حسین خسروی - دکتر خطیبی -
 ذوالفقاری - حسام‌الدین رضوی - دکتر رفیعی - دکتر
 رهنوردی - سعادت - دکتر سعید سمیعی - شاهنده - دکتر
 فضل‌الله صدر - دکتر ضیائی - عبدالحسین طباطبائی -
 طباطبائی دیبا - مهندس عطائی - دکتر عظیمی - مهندس
 فرخ - فریدونفر - فضائی - کمالانی - دکتر محقق -
 دکتر مدنی - مظهري - دکتر موسوی - نجد شیبانی -
 مهندس نصر - نیکروش - خانم اقبال - خانم پیرنیا - خانم
 مزارعی.

غائبین مریض - آقایان:

بختیاری پور - پرویزی - دکتر جزایری - تیمسار
 حکیمی - دیهیم - ریگی - مهندس زاهدی - کریم بخش
 سعیدی - محدث زاده - موقر - مهزاد - تیمسار همایونی.

خوبش با رقابت های فوق العاده شدید و غیر قابل تخمیلی مواجه بوده و شکست خورده است. بخش خصوصی (مخصوصاً صنایع) - سایر تشکیلات و سازمانهای دولتی (مخصوصاً شرکتهای دولتی) مشاغل آزاد و بسیاری دیگر از سازمانهای اجتماعی. رقبا بسیار سرسخت دستگاه تعلیماتی کشور میباشند و با پیشنهادهای بسیار جالبتر و جذابتر از امکانات دستگاههای تعلیماتی بهترین فشار و فشار تحصیلات را جذب مینمایند (البته بهترین نسبی).

این رقابت بیرحمانه نمیگذارد حتی تعداد محدودی از فشار و تحصیلات ممتاز بدستگاههای آموزشی روی بیاورند و در نتیجه دردی که عرض کردم با تمام وجود خود نمائی میکنند. توفیق در این رقابت در برودن فشار و تحصیلات ممتاز بوسیله بخش خصوصی و شرکتهای دولتی ممکن است موقتاً برای آنها ثمر بخش باشد ولی اگر بطور طولی المده فکر کنیم این توفیق - نفع آنها نیز تمام نشده است زیرا تضعیف دستگاه تعلیماتی کشور مآلاً و چندسال بعد آثار بسیار نامطلوبی روی توسعه همین سازمانها خواهد گذاشت. حال که عامل بوجود آورنده درد شناخته شد موقع آن رسیده است که عوامل تشدید کننده این درد یعنی ضعف بنیه علمی دستگاه آموزشی کشور را بررسی نمایم. بنظر من در کشور ما پنج عامل اساسی موجب تقویت این درد می باشد و دولت بجای تسکین در جهت تشدید هر یک از این پنج عامل عمل میکند.

این پنج عامل عبارتند از: ۱- بخش خصوصی ۲- سازمانها و شرکتهای دولتی ۳- تورم ۴- توجه تدریجی دانشجویان به تحصیل در رشته های سبک ۵- یک پدیده تعلیم و تربیتی دیگر که بموقع تشریح خواهم نمود. اجازه فرمائید بطور خیلی فشرده درباره هر یک از این پنج عامل چند کلمه عرض نمایم.

۱- بخش خصوصی:

یکی از رقبا سرسخت دستگاه آموزشی برای برودن فشار و تحصیلات بخش خصوصی می باشد که با پیشنهادهای بسیار جالبتر فشار و تحصیلات را جذب مینماید. کمک دولت به بخش خصوصی که از جهات دیگر بصلاح کشور است امکانات مالی آنها را بیشتر کرده و رقابت آنها را شدیدتر میکند.

۲- سازمانهای دولتی:

پس از بخش خصوصی سازمانهای دولتی مخصوصاً شرکتهای وابسته بدولت که دارای سرمایه های کلان و اختیارات وسیعی میباشند تعداد زیادی از فارغ التحصیلان را بطرف خود جلب نموده و مانع استخدام آنها در تشکیلات آموزشی میگردند. دولت ببا اعطای اختیارات بی حد و اعتبارهای بسیار بزرگ باین شرکتهای از این طریق نیز امکان رقابت را از دستگاههای تعلیماتی سلب می نماید.

۳- طبق نظر کارشناسان اقتصادی و علوم تربیتی هر وقت در کشوری تورم پیش آید بدلالی که مجال ذکر آن نیست اولین قربانی تورم دستگاه تعلیم و تربیت آن کشور می باشد. عدم توفیق کامل دولت در امر مهار کردن قاطع و ممتد تورم (ولولاینکه تورم از خارج سرایت کرده باشد) هر نوع امکان رقابتی را در دستگاههای تعلیماتی سلب مینماید. هر چه رشد اقتصادی سریعتر باشد اگر چه از لحاظ دیگر بصلاح کشور است ولی وضع دستگاه تعلیماتی از لحاظ امکان رقابت وخیم تر میشود.

۴- چون دولت بعلت نیاز فوق العاده بین فشار و تحصیلات رشته های نسبتاً آسان و رشته های دشوار و اساسی (مثلاً ریاضی) از لحاظ حقوق و مزایا فرقی نمیگذارد لذا بتدریج دانشجویان متوجه رشته های نسبتاً سهل تر میشوند و تعداد فارغ التحصیلان رشته های نسبتاً مشکل رو به تنزیم و متأسفانه درست همین رشته های نسبتاً مشکل هستند که مورد نیاز دستگاه تعلیماتی کشور میباشند. پس عمل دولت مبنی بر پرداخت حقوق مشابه به فشار و تحصیلات بدون در نظر گرفتن رشته تحصیلی آنها مآلاً در کمبود معلم در بعضی از دروس درد دستگاههای آموزشی را تشدید میکند.

۵- ضرب المثلی است که پس از بروز بحران آموزش و پرورش در جهان بین کارشناسان تعلیم و تربیت رواج یافته است. مفهوم این ضرب المثل به فارسی این است که «معلمی که شایستگی ندارد معلم خوب را یابد میکند و بایرون مینماید». مقصود این است که وقتی دستگاه آموزش و پرورش نیاز فوق العاده به معلم داشت اجباراً شرایط ورود معلم بدستگاه آموزشی را خیلی سهل میکند و پس از استخدام هم بحکم نیاز از هر گونه سختگیری برای انجام وظیفه پرهیز میکند. در نتیجه

کسانی که در سطح بالا و شایسته ای قرار ندارند وارد دستگاه آموزشی می شوند و در اثر عدم سختگیری دستگاه بهره کار آنها بسیار کم است. ولی حقوق و مزایا و ترفیحات این معلمی که شایستگی ندارد درست مساوی حقوق و مزایا و ترفیحات معلم شایسته است در نتیجه معلم خوب که می بیند کار بهره او و کاربری بهره معلم دیگر بیک چشم دیده میشود، طبعاً ناراحت شده و یکی از دو راه را انتخاب میکند یا او هم شایستگی خود را از دست میدهد و یا با ناراحتی از قدر ناشناسی دستگاه استعفاء میدهد و از دستگاه تعلیماتی خارج میشود پس معلمی که شایستگی ندارد معلم خوب را یابد میکند و بایرون می نماید.

این درست کاری است که در دستگاه آموزش و پرورش ما بعلت نیاز فوق العاده ای که بمعلم وجود دارد مصداق پیدا کرده و خروج معلمین شایسته از این دستگاه ضعف بنیه علمی آن را تشدید نموده است بطور خلاصه دولت دانسته یا ندانسته در سنوات اخیر از پنج طریق مختلف به تضعیف بنیه علمی دستگاه آموزشی کشور کمک نموده است. حال که درد را شناختیم و عوامل مشدده آنرا دانستیم به بینیم دوای این درد چیست؟ با چه تدابیری میتوان همه ساله تعداد کافی فارغ التحصیل شایسته را بطرف دستگاه آموزشی جلب نمود. باشهر گفتن در مقام معلم - انشاء نوشتن برای عزیز داشتن معلم - نطق کردن در باره وظیفه خطیر معلمی، تجلیل کردن از معلمینی که فوت کرده اند با وجودیکه همه در جای خود کار شایسته ای است ولی هیچکدام عملاً ایندرد را دوا نمیکند. باید یک درمان اصولی برای ایندرد پیدا کرد. دیگران هم ایندرد را داشته اند و کم و بیش موفق بدرمان آن شده اند. به بینیم چه کرده اند؟ فکر پرداخت حقوقی بالاتر از بخش خصوصی بمنظور توفیق در رقابت بدون تجزیه و تحلیل دقیق این مسئله نظر صائبی نیست. زیرا در بخش خصوصی مثلاً در یک کارخانه حقوق مهندسين و کارشناسان جزء بسیار کوچکی از کل مخارج کارخانه است بنابراین افزایش چند درصد بزرگی بحقوق کارکنان فنی اثر کوچکی روی قیمت محصول می گذارد. پس بخش خصوصی می تواند سرسختانه رقابت نماید. در صورتیکه در دستگاههای تعلیماتی قسمت

اعظم اعتبار صرف پرداخت حقوق معلم می شود و اگر مثلاً ۱۰٪ بحقوق معلمین اضافه شود طبق نظر یونسکو حدود هشت درصد ببودجه دستگاه آموزشی افزوده میشود و در نتیجه دستگاه آموزشی محصول گرانی با اجتماع عرضه میدارد و این بزرگترین عیب يك دستگاه تعلیماتی است که محصول آن گران باشد (اصولاً هر چه مورد نیاز عامه است نباید گران باشد). پس چه باید کرد؟ آنچه دیگران کرده و تا حدی نتیجه گرفته اند عبارت از يك اقدام پایه ای و اصولی است که پس از ترکیب با يك اقدام تکمیلی امکان رقابت را برای دستگاه تعلیماتی تا حدی تسهیل مینماید. اقدام پایه ای بمنظور جذب فشار و تحصیلات جدید است و اقدام تکمیلی بمنظور نگاهداری کسانی است که وارد دستگاه تعلیم و تربیت شده اند.

مقدمتاً عرض کنم که نوع مشاغلی که از لحاظ عرایض بنده برای فشار و تحصیلات در نظر می گیرند عبارتست از:

۱- کار آزاد.

۲- کارهای مشاوره.

۳- کارمند بخش خصوصی.

۴- کارمند سازمانها و شرکتهای وابسته بدولت.

۵- کارمند دستگاه دولت.

۶- کارمند دستگاه آموزشی.

سازمان برنامه باید برای تمام رشته های تحصیلی مختلف متوسطه درآمد سرانه اهل علمی را که در یکی از طبقات شش گانه عرض شده بکار اشتغال داشته باشند محاسبه نماید و بعد جدولی ترتیب دهد که ستونهای افقی آن اختصاص بانواع رشته های تحصیلی داشته باشد و ستونهای قائم آن بر حسب شش نوع مشاغلی که عرض کردم طبقه بندی شده باشد. در این جدول متوسط درآمد سرانه هر رشته تحصیلی در هر يك از مشاغل شش گانه عرض شده مشخص میگردد. مثلاً معلوم میشود که متوسط درآمد سرانه یکفروش شیمی دان در بخش خصوصی چقدر است - در سازمانهای دولتی چقدر است و در کار آزاد و غیره چقدر میباشد.

این جدول که آماده شد حقوق فارغ التحصیلان

هر رشته تحصیلی را برای استخدام در هیئت آموزشی طوری تعیین میکنند که متوسط درآمد سرانه استخدام در هیئت آموزشی مختصری کمتر از متوسط درآمد سرانه استخدام در بخش خصوصی باشد زیرا جاذبه بودن در محیط فرهنگی جبران این تفاوت مختصر را می کند و فارغ التحصیل جذب دستگاه آموزشی می شود. البته نحوه متوسط گیری برای ترتیب جدولی که بعرض رسید مسئله خاصی است که از موضوع بحث فعلی من خارج است.

آیا دولت اینکارها را کرده و چنین جدولی تهیه دیده است یا نه؟ اگر این روش را نمی پسندد با توجه به مضیقه دستگاه آموزشی از لحاظ جذب فارغ التحصیلان ممتاز سیاست دولت در قبال این مسئله چیست و چه برنامه ای برای جذب فارغ التحصیلان ممتاز در دستگاه آموزشی تهیه دیده است. عرض کردم برای تقویت بنیه علمی دستگاه آموزشی کشور يك اقدام پایه ای ضرورت دارد و يك اقدام تکمیلی - بطور خیلی فشرده نظر خود را درباره اقدام پایه ای بعرض رسانیدم. اما اقدام تکمیلی اینست که برای شاغلین در دستگاه آموزشی این امکان را فراهم می سازند که درجات تحصیلی بالاتری را کسب نمایند که در نتیجه مسئولیتهای آموزشی بالاتری را عهده دار گردند و درآمد سرانه بیشتری کسب کنند. وزارت آموزش و پرورش در این طریق قدمهای مثبت ولی غیر کافی برداشته است که آرزومند توسعه آن هستیم.

قبل از اینکه بعراضم درباره مسائل مربوط به دوره های دبیرستانی خاتمه دهم بی مناسبت نیست که اشاره ای هم بآموزش حرفه ای بنمایم. بدیهی است کشوریکه خوشبختانه سرعت روبصنعتی شدن میرود و انشاء الله تاده سال دیگر در ردیف کشورهای پیشرفته صنعتی قرار خواهد گرفت ناگزیر است بحکم نیاز اجتناب ناپذیر توجه خاص بتوسعه کمی و کیفی مؤسسات آموزش حرفه ای خود مبذول دارد. از نمایندگان محترم خواهش میکنم بیائید با هم بیطرفانه میزان توفیق دولت را در این امر مهم که توسعه صنایع متناحد زیبایی بدان بستگی دارد ارزشیابی کنیم. در اینجا نیز من

از اعداد گویای واقعیات کمک میگیرم. چون میخواهیم هشت تاده سال دیگر بکشورهای صنعتی پیشرفته برسیم (و انشاء الله خواهیم رسید) بدنیست وضع ده سال پیش آنها را با وضع دوسه سال اخیر خودمان از لحاظ آموزش حرفه ای مقایسه نمایم.

حدود ده سال پیش در کشور آلمان تعداد دانش آموزان دوره دبیرستانی عمومی ۱۵ میلیون نفر و تعداد دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای حدود ۹/۵ میلیون نفر بوده است یعنی از کل دانش آموزان دوره های متوسط ۳۷٪ آنها بتعلیمات حرفه ای مشغول بوده اند.

حدود هشت سال پیش در کشور روسیه تعداد کل دانش آموزان دوره های متوسطه ۵۴ میلیون نفر و تعداد دانش آموزان فنی و حرفه ای ۲۰ میلیون نفر بوده است یعنی در آن کشور نیز از کل دانش آموزان دوره های متوسطه حدود ۳۷٪ بتعلیمات حرفه ای اشتغال داشته اند. پس این يك رقم متوسط در کشورهای صنعتی است. یعنی بطور متوسط در يك کشور صنعتی حدود ۳۷٪ دانش آموزان دوره های متوسطه بتحصیلات فنی و حرفه ای اشتغال دارند. حال برای ارزشیابی میزان توجه دولت بامر آموزش حرفه ای بینم اینترقم در ایران چقدر است.

من برای این ارزشیابی از آمار سال تحصیلی ۵۰ - ۱۳۴۹ که دولت رسماً منتشر نموده است استفاده نموده ام. در این سال تعداد کل دانش آموزان دبیرستانهای عمومی کشور يك میلیون نفر و تعداد کل دانش آموزان هنرستانها و مدارس فنی و حرفه ای جمعاً ۵۶ هزار نفر بوده است. يك ضرب و تقسیم ساده نشان میدهد که در ایران بجای رقم ۳۷٪ (متداول در کشورهای صنعتی) برقم کوچک ۵/۶ درصد می رسیم - ۳۷٪ کجا و ۵/۶ کجا، واقعا راه درازی در پیش است. آیا باین اعداد زبان دار بازم اکثریت نمایندگان محترم عمل گذشته دولت را در زمینه آموزش حرفه ای تأیید بر نامه پیشنهادی در این باره را تصویب میفرمایند. اگر چنین تصمیمی دارید شاید بدنباشد عدد دیگری را بعرض برسانم شاید در تصمیم خود تجدید نظر فرمایید و یا لاقول تردید پیدا کنید. (عیباس میرزائی - در ده سال پیش ما چقدر هنرستان داشتیم؟) در کشور های صنعتی بطور متوسط برای هر ده

هزار نفر جمعیت باید حدود ۸۰ دانش آموز حرفه ای بتحصیل اشتغال داشته باشد. بادر نظر گرفتن جمعیت ایران و با احتساب این نسبت بزودی نیاز ایران بعدی حدود ۳۰۰۰۰۰۰ دانش آموز حرفه ای میرسد. مقایسه عددیکه بزودی باید داشته باشیم و عددیکه داریم میزان موفقیت دولت را در امر تعلیمات حرفه ای نشان میدهد. در آنچه بعرض رسید فقط جنبه کمی تعلیمات حرفه ای در ایران با يك کشور صنعتی مقایسه گردید مقایسه جنبه کیفی آن خوش آیندترینست. در سالهای اخیر در کشورهای صنعتی توجه دستگاههای تعلیماتی به بهبود کیفیت آموزش و فنی و حرفه ای بحدی بوده که نه تنها نیاز کلی اجتماع با افراد فنی و حرفه ای از هر جهت بر آورده شده بلکه جاذبه بیش از حد این مدارس حرفه ای يك مسئله بسیار جدی نوظهوری را در بعضی از کشورهای صنعتی مطرح کرده است که بتدریج توجه دستگاههای تعلیماتی این کشورها را بخود معطوف ساخته است. این مسئله جدید و بی سابقه هجوم جوانان بسیار باهوش بتعلیمات حرفه ای و در نتیجه انحراف مغز های مستعد اجتماع از مسیر تعلیمات عالییه دانشگاهی است.

بقسمیکه بهبود کیفیت آموزش حرفه ای در بعضی کشورهای صنعتی بحدی بوده است که دانش آموزان را از تمایل به تحصیلات دانشگاهی باز میدارد. بعنوان مثال این مسئله در اطریش بطور جدی مطرح می باشد نمی دانم باید بگویم خوشبختانه یا بدبختانه از این مسئله نوظهور در دستگاه تعلیماتی ما باید اثری نیست خوشبختانه، زیرا جاذبه مدارس حرفه ای ما بحدی نیست که جوانان مستعد را بطرف خود جلب نماید و در نتیجه این جوانان بتحصیلات عالییه روی می آورند (البته اگر محلی در دانشگاهها بدست آورند) بدبختانه از این جهت که کیفیت پائین بعضی از مدارس حرفه ای ما بحدیست که حتی دانش آموزان متوسط هم بطرف مدارس حرفه ای رونی آورند. بدین ترتیب عده ای از مدارس حرفه ای کم و بیش بمحل تجمع و کارآموزی دانش آموزان متوسطه و پائین تر از متوسطه تبدیل شده است.

چون عده ای از فارغ التحصیلان چنین مدرسی معلمین مدارس حرفه ای چند سال دیگر ما خواهند بود نمایندگان

محترم تصدیق میفرمایند که ممکن است. خدای نکرده دستگاه آموزش حرفه ای ما دور تسلل تأسف آوری را از لحاظ سقوط کیفیت آموزش حرفه ای در پیش داشته باشد پیش بینی این نتیجه دشوار نیست.

آنچه از لحاظ کمی و کیفی درباره مدارس حرفه ای بعرض رسید نمونه کوچکی بود از بسیاری مسائل حل نشده آموزش حرفه ای در کشور عزیزمان، ایران. اگر بازم حوصله دارید اجازه دهید یکی دیگر از مسائل حل نشده تعلیمات حرفه ای را مطرح نمایم و به بحث درباره تعلیمات حرفه ای خاتمه دهم. همه کسانیکه با مسائل صنعتی و فنی سروکار دارند بخوبی میدانند که امروز دوران تکنسیین های چند مهارتی کم و بیش پایان یافته است و فارغ التحصیلان آموزشگاههای حرفه ای که آموزش عمومی حرفه ای خود را در این آموزشگاهها فرا گرفته اند باید بلافاصله پس از فراغ از تحصیل و یادار ضمن کار، دوره های تکمیلی بسیار متنوع برای کسب مهارت در یکی از دهها رشته حرفه ای مورد نیاز صنایع جامعه را بیینند. بعنوان مثال میتوان تکنسیین فرم دهنده به شیشه - تکنسیین فیزیک بهداشت - تکنسیین ماشینهای رادیولوژی - تکنسیین دستگاههای خلاء - تکنسیین حرارت های بالا -

تکنسیین کاربرد مواد رادیو اکتیو و دهها مثال دیگر را ذکر نمود. با همین چند مثالی که عرض کردم به تنوع رشته های مورد نیاز توجه خواهید فرمود. اگر بخواهیم دوش بدوش کشورهای صنعتی در جهان پیش برویم چاره ای نیست جز اینکه بسرعت طرحهای جامعی برای تشکیل دوره های کوتاه مدت و دراز مدت بمنظور تربیت این نوع تکنسیین ها بموقع اجراء بگذاریم. کشوری مثل ایران که بسرعت روتوسعه صنعتی میرود بطور روز افزون هم از لحاظ تنوع و هم از لحاظ تعداد باین نوع تکنسیین ها نیاز خواهد داشت و غفلت از این امر ممکن است آثار نامطلوبی روی توسعه اقتصادی کشور بگذارد. آثار این نیازها اکنون از هر طرف ظاهر شده است. من هرچه در برنامه های پیشنهادی در بودجه مالی ۵۴ جستجو کردم اثری از توجه باین مسئله مهم ندیدم مثل اینکه این موضوع بکلی فراموش شده است. حالا که بحث درباره تعلیمات حرفه ای است توجه نمایندگان محترم را بیک موضوع

بسیار اساسی که در ارتقاء کیفیت آموزش دروس طبیعی (فیزیک - شیمی - زیست‌شناسی) کمال اهمیت را دارد. و آنطور که شایسته بزرگی و حساسیت این موضوع است بآن توجه نشده جلب مینمایم. استفاده منظم همه دانش آموزان دبیرستانهای کشور از آزمایشگاههای نسبتاً مجهز بحدی در بهره‌دهی دستگاه تعلیم و تربیت مؤثر است که من در این فرصت کوتاه بخودم جرأت ورود در این بحث را نمیدهم و فقط بذكر چند پیشنهاد قناعت مینمایم. با توجه با اهمیت موضوع خیال می‌کنم هر يك از چهار پیشنهاد زیر بنوبه خود از حساسیت خاصی برخوردار می‌باشد و جادارد اولیای محترم دولت توجه خاصی باین پیشنهادها مبذول فرمایند.

۱- تأسیس يك کارخانه بسیار مجهز تهیه لوازم آزمایشگاهی دبیرستانی در کشور (در موقع مناسب در جهت تهیه لوازم آزمایشگاهی مدارس عالی گسترش خواهد یافت).

۲- تأسیس يك آزمایشگاه آموزشی مرکزی در مراکز استانها برای استفاده مشترك و متناوب دانش آموزان.

۳- تأسیس يك آزمایشگاه سیار آموزشی وابسته با آزمایشگاه مرکزی در هر استان برای استفاده مشترك و متناوب دانش آموزان شهرستانهای مختلف آن استانداری.

۴- تشکیل دوره‌های آموزشی منظم و مداوم برای تربیت متصدیان آزمایشگاههای آموزشی دبیرستانهای کشور.

نصورت میکنم بحث ما درباره دوره‌های آموزشی مقدماتی و راهنمایی و متوسطه بعد کافی رسیده باشد ولی قبل از ترك این مبحث میخواستم اولاً سه عدد آماری دیگر را بآمارهائی که تا بحال بعرض رسیده است اضافه کنم ثانیاً يك حقیقت انکارناپذیر را در اینجا مطرح کنم و ثالثاً از وزیر محترم آموزش و پرورش سه عدد آماری تقاضا نمایم.

اولاً سه عددی که بعرض میرسد مربوط بده سال پیش يك کشور پیشرفته است. در ده سال قبل در این کشور صنعتی ۹۸/۷ درصد از اطفالی که مدرسه رو بوده اند درس میخوانده اند.

۷۲٪ کسانی که در آن سال بسن ۱۷ سالگی رسیده بودند از تحصیلات دبیرستانی برخوردار بوده اند برای ۹۲٪ اطفالی که وارد دوره راهنمایی میشدند در دبیرستانها محل تحصیل تأمین بوده است.

ثانیاً حقیقتی که میخواستم در اینجا مطرح کنم اینست که در این مرحله از پیشرفت بهیچوجه منطقی و منصفانه نیست که از دستگاه آموزش و پرورش کشورمان توقع چنین درصدهای بالائی را داشته باشیم زیرا:

۱- رشد جمعیت ما بیش از کشورهای خیلی پیشرفته است.

۲- نسبت گروه نسبی مدرسه‌رو، بکل جمعیت برای کشور ما بزرگتر از کشورهای پیشرفته صنعتی است.

۳- ما از نقطه مبدأ عقب‌تر در ده سال اخیر کوشش همه جانبه خود را بکار بسته‌ایم و همه این عوامل توفیق کوششهای دولت را در نیل به هدفهای آموزشی دشوار می‌سازد.

حال خواهی که از جناب وزیر آموزش و پرورش دارم اینست که باصراحت و بطور خیلی ساده و مختصر سه رقمی را که بعرض میرسانم در اختیار نمایندگان مجلس شورای ملی بگذارند تا مجلس بتواند با آگاهی درباره میزان موفقیت برنامه‌های آموزشی عمومی کشور قضاوت کند:

۱- در سال تحصیلی جاری در سطح کشور چند درصد اطفالی که در سن مدرسه روهستند بمدرسه میروند؟ (مقصود مدارس مقدماتی و راهنمایی است).

۲- در سال تحصیلی جاری برای روستاهائی که جمعیت آنها از ۲۰۰ نفر کمتر است چند درصد اطفالی که در سن مدرسه روهستند بمدرسه می‌روند؟

۳- در سال تحصیلی جاری چند درصد از نوجوانانی که امسال بسن ۱۷ سالگی رسیده‌اند در دبیرستانهای مختلف کشور از تحصیلات دبیرستانی برخوردار می‌باشند؟

آنچه از ابتدای صحبتم تا کنون بعرض رسانیدم مربوط به آموزش بمفهوم خاص این کلمه بود. حالا اجازه فرمائید بحث خود را درباره پژوهش یا تحقیقات آغاز کنم. خیال نمی‌کنم ضرورت داشته باشد که بنده در اینجا

دولت را باین امر خطیر نمیرساند بلکه روشنگر بی‌مهتری دولت بامر تحقیق است. (دکتر دادفر - تحقیقات تنها در دانشگاه نیست) اجازه میخواهم بطور اجمال این موارد را ذکر نمایم.

مورد یکم - در کشورهای صنعتی با وجودیکه بخش خصوصی سهم بسیار بزرگی در انجام تحقیقات علمی و فنی دارد معیناً هنوز چند درصد بزرگی از تحقیقات بوسیله دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی آنها صورت میگیرد این رقم یعنی چند درصد تحقیقات انجام یافته بوسیله دستگاه تعلیمات عالی بکل تحقیقات در کشورهای مختلف متفاوت است مثلاً در آلمان ۲۰٪ در اطریش ۲۶٪ در امریکا ۱۱٪ در فرانسه ۱۳٪ در ژاپن ۱۹٪ در هلند ۱۶٪.

در ایران نیز طبیعی است انتظار داشته باشیم که دستگاه تعلیمات عالی یکی از مهمترین دستگاههای تحقیق کشور باشد زیرا مهمترین رسالت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تحقیق است.

برخلاف این انتظار ضمن بررسی رقمی که وزارت علوم و آموزش عالی از طریق تمام دستگاههای تعلیمات عالی کشور صرف تحقیق می‌نماید برقم ناچیزی برمیخوریم «رقم ۱٪ از بودجه آموزشی کشور» بعبارت دیگر با توجه باینکه بودجه آموزشی ۷٪ بودجه عمومی میباشد باین نتیجه غیر منتظره میرسیم که بودجه تحقیق تمام دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور فقط هفت ده هزارم بودجه عمومی میباشد یعنی با چند درصد نمیتوان بیان نمود بارقم چنددرده هزار بیان میشود.

آیا این نشان دهنده میزان توجه واقعی دولت بامر تحقیق است؟

ممکن است گفته شود دانشگاهها نمیتوانند بودجه تحقیقی بیشتری را جذب نمایند در اینصورت حقیقت تلخ‌تری ظاهر میشود. وزارت علوم و آموزش عالی در رسالت اساسی خود مبنی بر ایجاد اتمسفر و محیط تحقیق در کشور موفق نبوده است. اگر وزارت علوم نتوانسته است در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی محیط تحقیق را فراهم سازد پس در کجا اقدام بر ایجاد اتمسفر تحقیق نموده است. بطور خلاصه در هر دو صورت، چه در صورت

از اهمیت تحقیقات علمی و فنی صحبتی بمیان آورم زیرا نمایندگان محترم وقوف دارند که در دنیای امروز قدرت ملتها بر اساس تحقیقات علمی و فنی آنها گذارده شده است. هر کشوری که در آن تعداد محققین فزونی و کیفیت تحقیق بالاتر باشد دارای قدرت ملی بیشتری است حتی در موقع بر آورد قدرت دفاعی کشورها میگویند فلان قدر کشتی جنگی، فلان تعداد هواپیما - فلان شماره توپ بانانک و در صدر آنها فلان قدر قدرت تحقیق علمی و فنی. بهمین دلیل از سالها پیش در کشورهای مهم صنعتی همه ساله چند درصد قابل ملاحظه ای از تولید ناخالص ملی خود را صرف تحقیق و بررسی میکنند و این چند درصد رو بترتیب است. بسمیکه در حدود ده سال پیش در امریکا ۳/۸٪ انگلستان ۲/۷٪ هلند ۲/۱٪ فرانسه ۱/۹٪ از درآمد ناخالص ملی خود را صرف تحقیق می‌نموده‌اند.

میزان توجه دولتها بامر تحقیق را از چند در صد بودجه عمومی که آندولتها بامر تحقیق و بررسی اختصاص داده‌اند نیز میتوان قضاوت نمود. مثلاً بلژیک ۱۷/۱٪ فرانسه ۱۶/۹٪ ایتالیا ۱۴٪ هلند ۲۰٪ روسیه ۱۰/۷٪ پس از این توضیح مختصر بنده برای سنجش میزان توجه دولت بامر تحقیق کوشش کردم از روی ارقامی که در بودجه و ضماضم آن موجود است استنتاج کنم که چند درصد از تولید ناخالص ملی ما و با چند درصد از بودجه عمومی در سال ۵۴ صرف تحقیق و بررسی میشود. اقرار باید بکنم که روش بودجه نویسی موجود طوری است که این رقم بروشنی و بی‌آسانی بدست نمی‌آید. جناب آقای نخست وزیر بارها از چند سال پیش به مناسبت‌های مختلف وعده فرموده‌اند که رقم تحقیق و بررسی را به ۱/۵٪ از تولید ناخالص ملی برسانند.

در بودجه پیشنهادی تاج‌محمد باین رقم موعود نزدیک شده باشیم برای من روشن نیست شاید توضیح جناب آقای دکتر مجیدی معلوم سازد که در سال ۵۴ چند درصد از تولید ناخالص ملی و با چند درصد از بودجه عمومی صرف تحقیق و بررسی خواهد شد. حال چون از طریق مستقیم و کلی موفق نگردیدم میزان توجه دولت باین امر مهم را بسنجم ناچار موارد خاصی را انتخاب و مورد بررسی قرار دادم و ضمن این بررسی به نکاتی برخورددم که نه تنها توجه

اول یعنی دانشگاهها بتوانند بودجه را جذب کنند ولی دولت بودجه کافی ندهد و چه در صورت دوم یعنی دانشگاهها نتوانند چند درصدی باین ناچیزی را جذب نمایند عدم توفیق دولت در گسترش امر تحقیق روشن میشود.

مورد دوم - کاش بی مهری به تحقیقات دانشگاهی بهمین جاختم میشد تازه قسمتهائی از این ۱٪ ناچیز هم بمصارفی میرسد که نمیتوان واقفانام تحقیق بر آن گذاشت بعنوان مثال آنچه از ارقام بودجه استنباط میشود قسمت قابل ملاحظه‌ای از اعتبار تحقیقات دانشگاهی بمصرف تأسیس موزه علوم ملی وابسته بوزارت علوم میرسد. تأسیس موزه علوم ملی کار بسیار ارزنده‌ای است. قدم مثبتی در جهت پیشرفت علم در کشور است. فکر تأسیس آنرا باید بدولت تبریک گفت ولی تأسیس این موزه را نباید بحساب تحقیقات دانشگاهی گذاشت. ممکن است بعداً نتیجه تحقیقات مملکتی روزی در این موزه عرضه شود و محتملاً در سالهای بسیار دور مختصر تحقیقی هم در این صورت گیرد ولی اصل فکر تأسیس موزه علوم بیشتر جنبه آموزشی دارد تا پژوهشی. آنچه از اسم این مؤسسه مفهوم میگردد و از فعالیت تأسیسات مشابه آن در کشورهای دیگر استنباط میشود لااقل در مراحل اولیه تأسیس نمیتوان این برنامه را برنامه تحقیق دانشگاهی نام گذاشت.

پس قسمتی از این رقم کوچک ۱٪ هم بمصارف غیر تحقیقی میرسد.

مورد سوم - از اعتبار يك درصدی که بعرض رسید صندوقی بنام صندوق توسعه پژوهشهای علمی کشور در وزارت علوم و آموزش عالی تشکیل شده است که اعتبار اختصاص داده شده بآن حدود بیست میلیون تومان برای توسعه پژوهشهای علمی در سراسر کشور میباشد. این مبلغ آنقدر در برابر عظمت نیاز کوچک است که دستگاه برنامه ریزی مجبور شده است توضیح بدهد که این صندوق برای تأمین اعتبار طرحهای پژوهشی کوچک است. کسانی که با قیمت‌های سنگین لوازم تحقیق مدرن سروکار دارند عدم کفایت این رقم را باروشنی بیشتری می بینند. مورد چهارم - متعجب از اینکه چرا در فصل

آموزش که جای واقعی تحقیقات است توجهی بامر تحقیق نشده فکر کردم لابد با توجه خاصی که دولت بتوسعه صنایع دارد همه کوشش و امکانات تحقیقی خود را در فصل صنایع متمرکز کرده است. باین امید به فصل صنایع مراجعه نمودم تعجب بیشتر شد. بدنیست به چند رقم که نشان دهنده توجه فوق العاده کشورهای پیشرفته به تحقیقات صنعتی است اشاره نمایم و بعد به طلب مورد بحث برگردم در یکی از کشورهای صنعتی سالهاست که حدود ۳۵٪ کل مهندسين و اهل علم آن کشور به تحقیق اشتغال دارند. کمی بیش از ۵۰٪ دانشمندان علوم فیزیک کشور فعالیت تحقیقی دارند. حدود ۳۵٪ از دانشمندان علوم زیستی در آن کشور وقت خود را صرف تحقیق مینمایند. در کشورهای دیگر صنعتی هم بارقیمی کم و بیش حدود این ارقام بر خوردمیکیم. خیال میکنم این ارقام میزان توجه کشورهای پیشرفته را بامر تحقیق و مخصوصاً تحقیقات صنعتی نشان میدهد حال به مطلب مورد بحث یعنی توجه دولت بامر تحقیق در صنایع برگردیم. خیال میکنید چند درصدی که دولت بامر تحقیقات در فصل صنایع اختصاص داده است چقدر است. اگر عرض کنم حتماً خوشحال نخواهید شد. فقط يك دهم درصد بودجه صنایع یعنی يك هزارم بودجه فصل صنایع.

نمیدانم چرا در بودجه پیشنهادی دولت هرجا صحبت از تحقیق است اعتبار اختصاص یافته را بارقم چند درصد نباید بیان کرد. باید بارقم چند در هزار و چند درده هزار بیان نمود. این است نمایشگر توجه دولت بامر تحقیق.

در همان جدول مربوط به فصل صنایع چند سطر بالاتر از سطر که در آن رقم ۱٪ تحقیق بهشم میخورد رقمی دیده میشود معادل ۳۲/۸٪ برای کمک و تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در صنایع، تردیدی نیست که کمک و تشویق بخش خصوصی برنامه بسیار لازم و ارزنده‌ای است ولی مقایسه ایندو رقم میزان توجه دولت را به تحقیقات صنعتی بخوبی نشان میدهد. تحقیقاتی که کشورهای پیشرفته صنعتی موجودیت خود را مدیون آن میدانند. در اینجا اجازه بدهید پیشنهاد کوچکی را مطرح سازم. پیشنهاد اینست: در هر مورد که دولت بمنظور کمک و

تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در صنایع اعتباری در اختیار بخش خصوصی میگذارد گیرنده اعتبار موظف باشد زیر نظر وزارت علوم چند درصد کوچکی از دریافتی را بمصرف تحقیق در آن رشته صنعتی خاص برساند. بنظر من پیشنهادی است منطقی که امیدوارم بمنظور نشان دادن علاقه دولت بامر تحقیق مورد توجه قرار گیرد.

مورد پنجم - دولت با توجه باینکه مؤسسات آموزش عالی بنحویکه در این ده سال اخیر گسترش یافته اند نمیتوانند جوابگوی احتیاجات روز افزون تحقیق کشور باشند راه حلی در نظر گرفته است که در دوسه سال اخیر نمونه‌های متعددی از آنرا دیده‌ایم. راه حل اینست که مؤسساتی مستقل از تعلیمات عالی کشور مستقل از وزارت علوم آموزش عالی، حتی تقریباً مستقل از وزارتخانه‌های مربوط برای رفع نیازهای تحقیقی خاصی تشکیل می‌یابند. این کار در يك سکتور تحقیقی خاصی تحرك تحقیقی بوجود می‌آورد ولی مسئله‌ای است که از بسیاری جهات دیگر قابل کمال تأمل و دقت است و باید دید آیا عوآقب ناشی از آن مجموعاً به صلاح گسترش تحقیق و توسعه اقتصاد کشور هست یا نه؟ خصوصاً باید باین مسئله توجه شود که تقویت این مؤسسات تحقیقی به قیمت تضعیف دستگاه تعلیمات عالی کشور تمام نشود.

این تجربه‌ای است که در بعضی از کشورهای آموخته اند و ما باید از نتیجه تجربه آنها استفاده نمایم. جاذبه امکانات فوق العاده مالی تجهیزات مدرن آزمایشگاهی و بالاخره آزادی عمل فراوان این مؤسسات بتدریج شایسته‌ترین جوانان محقق را از تشکیلات تعلیمات عالی کشور بطرف این مؤسسات می‌کشاند و این امر موجبات تضعیف دستگاه تعلیمات عالی را فراهم می‌سازد بتدریج کیفیت فارغ التحصیلان مؤسسات آموزش عالی تنزل مینماید. چون در آینده این مؤسسات تحقیقی باید برای گسترش کار خود از فارغ التحصیلان همان مؤسسات آموزش عالی استفاده نمایند بنا بر این اگر باید بطویل المده باین مسئله توجه کنیم می‌بینیم که انتقال محققین بسیار مستعد از دستگاه تعلیمات عالی به این مؤسسات تحقیقی به صلاح خود این مؤسسات نیز نمی‌باشد. در کشورهای دیگر پس از چند سال تجربه مجبور

شدند برای جلوگیری از تضعیف دستگاه تعلیمات عالی نوعی وابستگی بین این مؤسسات تحقیقی و یکی از دانشگاهها برقرار سازند تا همکاری متقابل این مؤسسات تحقیقی و دانشگاهها مانع بروز مشکلی که بدان اشاره نمودم بشود بعنوان مثال این اقدام میتواند لایراتوارهای ملی آمریکا را نام برد که هر يك بنحوی يك دانشگاه وابستگی پیدا کرده‌اند. حال که این مؤسسات علیرغم نظری که عرض کردم خارج از جامعه تعلیمات عالی کشور تشکیل می‌شود جادارد که این مؤسسات قسمتی از امکانات مالی فراوان خود را بشکل طرحهای تحقیقی در اختیار دانشگاهها بگذارند تا از این طریق پتانسیل علمی دانشگاهها تقویت گردد. مورد ششم در وضع حاضر، مشکل تحقیق در کشورهایمانها مشکل بودجه‌ای نیست. توجه به جنبه‌های دیگری از مسئله تحقیق نیز شایان کمال دقت است. همه نباید گان محترم وقوف دارند که در دنیای امروز تحقیقات مخصوصاً تحقیقات علمی و فنی کمتر بصورت فردی انجام میگردد بلکه قسمت اعظم تحقیقات در تیمهای تحقیقی صورت میگیرد بدین معنی که عده‌ای از جوانان محقق در سطوح مختلف (با درجه دکترا - فوق لیسانس - لیسانس - حتی دانشجوی شاغل بتحصیل) گرداگرد شخصی بنام رهبر تیم تحقیقی جمع میشوند و يك تیم تحقیقی در رشته علمی یافنی خاصی تشکیل می‌شود.

یکی از نیازهای اصلی و اولیه هر تیم تحقیقی عده‌ای تکنیسین تحقیقی است که وظائف بسیار متنوعی را عهده‌دار میباشد. پس بطور خلاصه نیروی انسانی لازم برای تشکیل يك تیم تحقیقی شامل رهبر تحقیق محقق و تکنیسین تحقیق است. در وضع حاضر کشور ما بیش از هر چیز با کمبود رهبران محجب تیمهای تحقیقی مواجه است. با وجودیکه تعداد جوانان محقق در کشور بسیار زیاد است معهذرا کمبود رهبران تیمهای تحقیقی رشد تحقیق را کند کرده است. نظریاتیکه اگر بخواهیم در این مورد که حائز کمال اهمیت است بیشتر صحبت کنم بحث بدرازا می‌کشد لذا از این بحث می‌گذرم و توجه دولت را به فقدان تکنیسین تحقیقی در کشور جلب مینمایم. در کشورهایی که تجربه ممتد در امر تحقیق دارند بتدریج تکنیسین تحقیقی همان اندازه اهمیت میدهند که تربیت

محقق بر حسب نوع تشکیلات و سطح تحقیق و نوع رشته تحقیقی تعداد تکنیسین لازم برای کمک به هر محقق تغییر میکند. مثلاً در آمریکا بطور متوسط برای هر یکصد نفر محقق حدود ۷۰ نفر تکنیسین تحقیقی مشغول بکار است در فرانسه این رقم بزرگتر می باشد.

تا حال بعنوان نمونه فصول دیگر میزان توجه دولت بامر تحقیق را در دو فصل آموزش و صنعت دیدیم. وضع موجود را از لحاظ نیروی انسانی مورد نیاز تحقیق مشاهده کردیم. حال بیابید بین ده ها نمونه میزان گسترش سنوات اخیر سه آزمایشگاه تحقیقی را که سالها پیش در کشور تشکیل شده اند مورد توجه قرار دهیم. این سه آزمایشگاه تحقیقی که با توجه ب برنامه های اخیر دولت از اهمیت خاصی برخوردار می باشند عبارتند از:

۱- آزمایشگاه تحقیقی سنجش مواد معدنی اورانیوم که چند سال قبل بکمک کارشناسان سازمان ملل در کشور تشکیل شده است.

۲- آزمایشگاهی که تحت برنامه های سازمان پیمان مرکزی حدود ده سال پیش برای جستجوی ذخائر اورانیوم تأسیس گردیده است.

۳- آزمایشگاه تحقیقات اتمی وزارت کشاورزی که شاید بعضی از نمایندگان محترم چند سال پیش در تشریفات افتتاح آن شرکت فرمودند.

من هر چه گشتم از این سه فعالیت تحقیقی بسیار ضروری ابدأ اثری در بوجه ندیدم. خیال میکنم وزرای محترم نیرو و کشاورزی هم هر چه بگردند اثری از آنها در وزارتخانه های مربوط نیابند. اگر اثری یافتند و باطلاع نمایندگان محترم رسانیدند بنده هم سپاسگزار خواهم بود.

اگر بخواهیم بی پرده صحبت کنیم در عرض ده سال گذشته دولت سیاست پژوهشی روشنی نداشته است که بر اساس آن اولویت های تحقیقی را مشخص سازد. بوجه ای که باید نمایانگر جهت یابی پژوهشی دولت باشد به هیچ وجه گویان نیست. فقط در اواخر هر فصل تقریباً بطور یکتا وخت جمله دو کلمه ای تحقیق و بررسی ذکر شده و حدود یک تا دو درصد بوجه آن فصل باینکار اختصاص داده شده است. این امر نشان مینهد که سیاست

تحقیقی خاصی وجود ندارد. اصولاً بر من روشن نیست که مقصود از این رقم که در آخر هر فصل به تحقیق و بررسی اختصاص داده شده چیست؟ آیا مقصود این است که کارکنان آن بخش محقق استخدام نموده و در خود آن بخش تحقیق کنند و بیابند این بوجه را در اختیار مراکز تحقیقی بگذارند تا برای آنها تحقیق نمایند. کجا این تحقیقات هم آهنگ می شود در وزارت علوم برای کنترل مصرف این تحقیقات چیست؟ اینها مسائلی است که نیاز بتوضیح دارد.

تنها جایی که اثری از جهت یابی تحقیقی در بوجه مشاهده می شود در تحقیقات مربوط بمناجم آب است که رقم ۱۰٪ از بوجه فصل منابع آب برای تحقیق منظور شده است. امیدوارم دولت در این امر خطیر توفیق حاصل نماید.

قبل از اینکه فصل تحقیق را ترک نمایم وظیفه ملی خود می دانم که مطلب دیگری را خیلی باختصار بعرض هیئت دولت و نمایندگان محترم برسانم. امروز کشورهای پیشرفته جهان سازمان های دفاعی سهم بسیار ارزنده و بزرگی در تحقیقات علمی و فنی آن کشورها بعهده دارند و همکاری نزدیک تحقیقی بین صاحبان صنایع دانشگاهها و سازمان های دفاعی این کشورها نتایج فوق العاده علمی و فنی بیار آورده است.

من یقین دارم که دانش و تخصص جوانانی که در تشکیلات دفاعی کشور ماکار می کنند در سطحی است که میتوانند همدوش با مؤسسات آموزش عالی بامر تحقیق در مسائل دفاعی کشور پردازند.

بنابراین شاید جاداشته باشد که مسئله گسترش تحقیقات علمی و فنی مربوط بمسائل دفاعی بطریقی که دولت صلاح بداند مورد توجه خاصی واقع گردد.

در خاتمه این قسمت برای اطلاع کونه نظرانی که از پیشرفتهای علمی و فنی اخیر ملت و دولت ایران نگران شده اند و ممکن است از عرایض من (که در نهایت صمیمیت و بانوجه بوظیفه ملی که بعهده دارم بیان شده است) خدای نکرده تعبیر ناروایی بنمایند، باید صریحاً بعرض برسانم وجود بسیاری از مشکلاتی که بآن اشاره شد خود مؤید توفیق در حل مشکلات بسیار عظیم دیگری بوده است. مثلاً وقتی که صحبت از نسبت بوجه تحقیق بتولید ناخالص ملی می شود این نشانه آنست که دوران انکاه

کامل بصنایع خارج از کشور را باموقفیت پشت سر گذارده ایم و مشغول بنای صنایع مستقل ملی خود می باشیم. اگر در مؤسسه ای وارد شوید که در آنجا محققین با مشکلات نارسائیهای ناشی از سرعتهای سرسام آورده دست بگریانند معنی وجود این مشکلات اینست که محققین آن مؤسسه در سطح مسائل فضائی کار می کنند.

مسائلی که باید دولت توجه بیشتر بدانند ما معطوف سازد زیاد داریم ولی جای نگرانی نیست زیرا در برابر خوشبختانه امنیت داریم - آرامش داریم - ثبات داریم - امکانات داریم - استعداد های خداداد داریم - تصمیم داریم و از همه بالاتر انکاه و اطمینان بر بهره ی شاهنشاه داریم (احسن). جامعه ای چنین مسلماً بر مشکلات هر قدر هم که عظیم باشند فائق خواهد آمد.

جناب آقای رئیس چقدر از وقت بنده باقی مانده و چقدر می توانم صحبت بکنم؟

رئیس - هر چقدر بخواهید میتوانید صحبت بکنید ولی اگر خسته شده اید در بوجه سال دیگر هم فرصت دارید مطالبتان را بفرمائید.

دکتر آزاد - خیال میکنم از لحاظ تقسیم وقت موقع آن رسیده باشد که درباره فصل فرهنگ و هنر هم مطالبی بعرض نمایندگان

محترم برسانم باقتضای موضوع روش صحبت من در این فصل با روشی که از ابتدای عرایضم بکار برده ام متفاوت می باشد زیرا هر یک از فعالیتهای این فصل به نحوی با ریشه های فرهنگ کهن ملی ما مرتبط میگردد

و اظهار نظر روشن درباره این فعالیتها مستلزم بیان مقدمه ای طولانی و تجزیه و تحلیل جوانب مختلف هر فعالیت می باشد. با توجه باین امر که عرایضم بطول انجامیده است بخود اجازه نمیدهم که در این بحث وارد شوم و ترجیح میدهم بجای بحث در برنامه ها و فعالیتهای این فصل سه پیشنهاد متفاوت بعرض نمایندگان محترم برسانم تا در صورت امکان مورد توجه وزارت فرهنگ و هنر قرار گیرد.

۱ - در دنیای امروز استفاده از علم و تکنولوژی مدرن در بسیاری از فعالیتهای فرهنگی و هنری توسعه روز افزون دارد بقسمیکه در اکثر رشته های هنری بطرق بسیار مختلف و متنوع و در تمام مراحل، علم و تکنولوژی

در خدمت هنر قرار گرفته است مثالهای بسیار متعدد و متنوعی وجود دارد که برای خلق هنر، مطالعه و شناخت هنر - ارزشیابی هنر - جستجوی آثار هنری - تشخیص اصالت آثار هنری و بالاخره نگاهداری آثار هنری از علم و تکنولوژی کمک اساسی گرفته شده است و بجز آن میتوان گفت که یکی از خصیصه های هنر عصر حاضر اینست که در عین حال که علم را بخدمت گرفته از آن نیز متأثر گردیده است. بعبارت دیگر اثر متقابل علم و هنر پدیده ای مسلم و شناخته شده است. بعنوان مثال امروزه برای تمیز کردن تابلوهای بسیار قدیمی نقاشی بدون اینکه بدان کوچکترین صدمه ای وارد آید از اشعه معروف لایزر استفاده مینمایند - برای تشخیص اصالت تابلوهای نقاشی از تکنیک سنجش تشعشع کمک گرفته میشود.

برای جستجوی حفره های زیرزمینی که ممکن است در آنها آثار باستانی وجود داشته باشد از وسایل الکترونیکی خاصی استفاده میگردد.

برای مطالعه در اندازه دقیق فواصل موسیقی دستگاههای سنجش فیزیکی بکار برده میشود.

تشخیص ارتباط احتمالی بین مبدأ دو اثر باستانی بکمک نوعی تجزیه مخصوص امکان پذیر گردیده است.

با استفاده از وسایل الکترونیکی می توان اشکال هنری مخصوصی درست کرد که در واقع نوعی خلق هنر است.

از آن چه خیلی باختصار بعنوان نمونه بعرض رسانیدم میخواهم یک نتیجه بگیرم و آن اینست که در بسیاری از کشورها بمناسبت توسعه روز افزون اثر متقابل هنر و علم نیاز به تربیت افرادی پیدا شده است که با هر دو جنبه امر آشنائی کافی داشته باشند. بعنوان مثال میتوان فیزیک دان یا شیمی دانی را نام برد که بهتر علاقمند شده و علم خود را در خدمت مطالعات هنری قرار داده است و یا یک دانشمند باستان شناس که به استفاده از تکنولوژی مدرن برای مطالعه آثار باستانی علاقمند گردیده و هم خود را در این راه مصروف میدارد.

بنظر اینجانب با توجه بتوسعه موفقیت آمیز فعلی

وزارت فرهنگ و هنر جا دارد که به این نیاز توجه خاصی مبذول گردد بعبارت ساده بفکر تربیت جوانانی باشیم که پس از فراغ از تحصیل در رشته‌های علمی و فنی بطرف مطالعات هنری هدایت شوند و یا هنرمندانی که پس از طی مدارج هنری به استفاده از علم و تکنولوژی برای پیشبرد هنر خود تشویق گردند.

۲- دگرگونی‌های فکری ناشی از پیشرفت‌های سریع علم و تکنولوژی دگرگونی عمیقی در دید جامعه و دید افراد جامعه نسبت به بسیاری از مسائل پدید آورده است بدیهی است یکی از نتایج مستقیم و طبیعی دگرگونی فکری دگرگونی در هنر است. امروزه دگرگونی هنری در همه جوامع و در تمام شاخه‌های هنری با اشکال مختلف و با شدت‌های کم و بیش متفاوت تجلی نموده است. از مظاهر بارز این دگرگونی هنری میتوان شعر نو- مکاتیب نقاشی نو- تئاتر نو و غیره را نام برد.

این دگرگونی در هنر مسئله جدیدی برای ملت‌ها مخصوصاً مالی که مانند ایران دارای فرهنگی غنی و ریشه‌دار هستند بوجود آورده است. تضاد ظاهری بین نو و کهن. مسئله چنین مطرح می‌شود:

دگرگونی سریع فکری هنوز توده بسیار وسیعی از مردم را متأثر نکرده است و در نتیجه درک دگرگونی هنری برای آنها دشوار است. در چنین شرایطی وسائل ارتباط جمعی اگر هنرنو را عرضه نمایند با عکس العمل منفی توده مردم که توانایی درک و جذب آنرا ندارند مواجه میشوند و حتی ممکن است در بعضی موارد در توده مردم نوعی تفر ناشی از عدم درک نسبت به هنرنو بوجود آید.

اگر وسائل ارتباط جمعی بعرضه ادب و هنر کهن اکتفا نمایند در اینصورت با نوعی زکود هنری روبرو می‌شویم که متناسب با تحرك هنری عصر حاضر نمی‌باشد.

راه حل طبیعی اینست که چند درصد محدود و معقولی هنر خیلی پیشرفته‌تر عرضه شود چند درصد کافی هنر کهن ملی عرضه گردد و حجم عمده ادب و هنری که بجامعه عرضه میشود طوری انتخاب شود که پیشرفته‌تر از درک متوسط جامعه باشد ولی نه بحدی که رابطه آن با توده مردم گسیخته گردد.

بعبارت خیلی ساده اگر ادب و هنر عرضه شده از

سطح متوسط درک اجتماع خیلی فاصله بگیرد ارتباط اکثر افراد جامعه با آن قطع است و عرضه کنندگان این نوع هنر نمیتوانند درک متوسط هنری جامعه را با خود به پیش ببرند. بالعکس اگر ادب و هنر عرضه شده درست در سطحی باشد که توده مردم خواستار آنند سرعت تحول هنری خیلی کند میشود. پس از ذکر این مقدمه کوتاه.

حال این سؤال پیش می‌آید که چه مرجعی باید حدود این چند درصد را که عرض شد مشخص سازد و با توجه بمسائلی که تشریح شد چه مرجعی از لحاظ کیفیت هنری که باید عرضه شود اظهار نظر صائب نهایی را خواهد نمود. در اینجا نیز بوجود یک هیئت منتخب ملی هنری در هر يك از رشته‌های هنر احساس میشود که هنوز در کشور ما تشکیل نگردیده است.

این هیئت منتخب در هر يك از رشته‌های هنر بالاترین مرجع قضاوت هنری در کشور برای آن رشته هنری می‌باشد و باید در کیفیت تشکیل آن چنان دقتی بعمل آید که هیئت منتخب هر رشته هنری مورد قبول قلبی عامه علاقمندان بآن رشته باشد و اظهار نظر این هیئت مآثر باره ارزش يك اثر هنری برای مردم نوعی حجت تلقی گردد. بدین ترتیب خلاصه پیشنهاد بنده اینست:

بكمك وزارت فرهنگ و هنر ترتیبی اتخاذ گردد که جامعه هنرمندان هر يك از رشته‌های هنری يك هیئت منتخب ملی هنری را ازین خود انتخاب نمایند که بعنوان بالاترین مرجع قضاوت هنری درباره ارزش آثار هنری اظهار نظر نموده و درك متوسط هنری جامعه را بالا برد.

۳- خوشبختانه کشور ما از لحاظ آثار باستانی متعدد و متنوع و همچنین آثار بدیع هنری قدیم و جدید بحدی غنی است که کمتر کشوری را در جهان میتوان یافت که از چنین موهبتی برخوردار باشد.

بنظر اینجانب جا دارد که وزارت فرهنگ و هنر به شکرانه این موهبت يك برنامه پژوهشی بسیار گسترده و سیستماتیک درباره هر يك از آثار ارزنده‌ای که در سراسر کشور (حتی در شهرهای کوچک) پراکنده میباشد و یاد درآموزها جمع آوری شده‌اند بمرحله اجراء بگذارد و بتدریج نتیجه و چکیده پژوهش‌ها برای هر اثر را بطور

خیلی فشرده در جزوه کوچکی (متناسب با ارزش اثر) تدوین و در اختیار جامعه قرار دهد.

بدین ترتیب اولاً فعالیت وسیع و متنوعی در زمینه پژوهش در آثار ملی و هنری ارزنده در سراسر کشور بوجود می‌آید ثانیاً تدوین نتیجه این پژوهشها و عرضه نمودن آن بنحوی که شایسته هراتر باشد عده‌ای استعداد هنری را بکار میگیرند ثالثاً علاقه ملی اهالی هر محل که دارای اثر ارزنده باستانی هستند در نتیجه وقوف با اهمیت آن اثر تقویت میشود.

رابعاً اگر در مراحل بعدی این جزوه‌ها بزبانهای خارجی ترجمه شود به برنامه‌های گسترش توریسم کشور کمک خواهد نمود.

بنده در نظر داشتم درباره امور جوانان و مسئله مهم کتاب بطور مشروح مطالبی بعرض برسانم ولی چون وقت اجازه نمیدهد از آنها چشم پوشی میکنم بموضوع اساسی مشارکت طبقه تحصیل کرده و در فعالیتهای دموکراتیک کشور اشاره بسیار مختصری مینمایم و بعراضم خاتمه میدهم.

اغلب از طبقه تحصیل کرده یا بعبارت دیگر از گروه اندیشمند کشور گله میشود که چرا آنطور که شایسته است در فعالیتهای دموکراتیک مشارکت ندارند. حتی گاهی این گروه‌ها بی تفاوتی در این امر مهم مملکتی متهم می‌نمایند بنظر بنده طبقه تحصیل کرده یا اندیشمند کشور با وقوف کامل با اهمیت و ضرورت این مشارکت نه تنها نسبت به فعالیتهای دموکراتیک مملکت بی تفاوت نیست بلکه در مواردیکه دولت امکان این مشارکت را تسهیل نموده کمال علاقه را از خود برورز داده است.

واقع امر این است که دولت در هر فرصتی این طبقه را به مشارکت دعوت میکند ولی عملاً تسهیلات لازم برای مشارکت آنها را فراهم نمی‌سازد.

بدیهی است که اولین قدم در راه جلب طبقه تحصیل کرده به مشارکت بیشتر اینست که تسهیلات لازم برای مشارکت دموکراتیک آنها در فعالیتهای مربوط برشته مورد علاقه خود آنها فراهم گردد. بعبارت دیگر اگر برای هر يك از گروه‌های تحصیل کرده کشور این امکان فراهم شود که در موقع تشخیص هدفها- تعیین خط مشی‌ها و برنامه

ریزبهای مربوط بامور مورد علاقه گروه خود مشارکت مؤثری داشته باشد بطور آرزو بروز علاقه گروه اندیشمند مملکت به مشارکت وسیعتر در فعالیتهای اجتماعی بیشتر میگردد در کشورهای دیگر هر يك از گروه‌های تحصیل کرده بنحوی از انحاء در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیتهای مرتبط بامور مورد علاقه گروه خود سهیم می‌باشند و طبیعی است که در چنین شرایطی میزان علاقه آنها به مشارکت در امور افزایش می‌یابد.

بعنوان مثال در بسیاری از کشورها تشکیل و توسعه فعالیت هر يك از سازمانهایی که بعلت تنگی مجال فقط بذكر نام آنها اکتفا می‌نمایم در جلب طبقه تحصیل کرده به مشارکت بسیار مؤثر بوده است.

۱- بنیادهای ملی علمی (شبیه به بنیاد ملی علمی در آمریکا) - چنین بنیادهایی میتوانند با بودجه دولتی ولی مستقل از نفوذ دولت در مسائل کلی و مخصوصاً مسائل تربیتی کشور مطالعات بسیار اصولی انجام داده و نتیجه آنرا در اختیار دولت و مردم قرار دهند.

۲- انجمن‌های علمی (مثلاً انجمن ریاضی دانان - انجمن زیست شناسان و غیره) تعداد و تنوع انجمنهای علمی در کشورهای پیشرفته بسیار زیاد است و هر يك از آنها بعنوان يك پتانسیل علمی و ملی بسیار ارزنده در امور علمی و فنی مربوط برشته تخصصی خود بدولت کمک میکنند.

۳- آکادمی ملی علوم که بعنوان بالاترین مرجع علمی کشور مشاور دولت در مسائل اساسی علمی مملکتی میباشد.

۴- شوراهای ملی تحقیقات در رشته‌های علمی - صنعتی- کشاورزی و پزشکی که هر يك امکان مشارکت صدها محقق را در فعالیتهای دموکراتیک تسهیل مینماید.

مقصود از تشکیل سازمانهایی که نام آنها بعنوان مثال بعرض رسید اینست که همه امکانات مملکتی بطور انحصاری در اختیار دولت نباشد بلکه مراکز امکاناتی دیگری در کشور وجود داشته باشد که هر يك بطور دموکراتیک و با مشارکت گروه تحصیل کرده مشخص اداره شود. هر چه تعداد چنین سازمانهایی بیشتر باشد

مشارکت طبقه اندیشمندان کشور در فعالیتهای دموکراتیک فزونی خواهد یافت و بتدریج این طبقه را بمشارکت خیلی وسیعتری در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی تشویق و ترغیب خواهند نمود. نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند قدمهایی که تاکنون دولت در راه تشکیل و توسعه چنین سازمانهایی در کشور برداشته است بحدی بوده که طبقه اندیشمندان کشور باین نوع فعالیتهای دموکراتیک تشویق نماید. بنده به مقتضای شغل معلمی یعنی شغلی که افتخار دارم بیش از دو ثلث عمرم را در آن گذرانیده‌ام عادت دارم از عرایض نتیجه گیری کنم. خواه بیانم در کلاس درس بقصد تعلیم دادن ادا شده باشد. خواه عرایض در محضر بزرگانی چون سروران گرامی بمنظور قضاوت بیان شده باشد.

در عرایض امروز بنده علاوه بر اظهار نظرهای مثبت یا منفی روی پاره‌ای از مسائل آموزشی کشور پانزده پیشنهاد و سه هشدار اساسی وجود دارد کوشش نموده‌ام پیشنهاداتم سازنده باشد و هشدارهایم آگاه کننده، بطور خلاصه پیشنهادها عبارتند از:

۱- تشکیل شوراهای ملی تحقیقات در رشته‌های علوم-پزشکی-کشاورزی-صنعتی و از مجموع این چهار شوری شورای ملی تحقیقات ایران.

۲- تقویت انجمن‌های علمی و کمک بآنها در طریق تشکیل شورای ملی انجمن‌های علمی ایران

۳- تهیه مقدمات تشکیل آکادمی علوم ایران

۴- تشکیل عده بسیار محدودی باشگاه فنی برای جوانان بطور آزمایشی و توسعه آنها در صورت توفیق.

۵- تشکیل شورای ملی کتاب بمنظور هم آهنگ نمودن کوششهای کشور در امر کتاب.

۶- تشکیل هیئت‌های منتخب ملی (بالاترین مرجع ملی قضاوت هنر) در رشته‌های مختلف هنری و در بالاترین سطح ممکن.

شش پیشنهاد بالا بمنظور تشویق جامعه علمی و فنی و هنری کشور بمشارکت دموکراتیک بیشتر در امور جامعه خود در نظر گرفته شده است.

۷- تشکیل يك آزمایشگاه مرکزی علوم در مراکز

استانها برای استفاده مشترك و متناوب دانش آموزان دوره‌های دبیرستانی و وابسته باین آزمایشگاه يك آزمایشگاه كوچك سیار برای استفاده دانش آموزان شهرستانهای كوچك.

۸- تأسیس هر چه زودتر يك کارخانه مجهز تولید لوازم آزمایشگاهی دبیرستانی و در مراحل بعد لوازم دانشگاهی.

۹- اقدام به برنامه ریزی و اجرای طرحی بمنظور تربیت سریع عده‌ای تکنیسین آزمایشگاهی (آموزشی و پژوهشی). سه پیشنهاد بالا بمنظور تشویق و هدایت دانش آموزان دبیرستانی بعلوم تجربی عرضه شده است.

۱۰- توسعه سریع کمی و کیفی آموزش و تحقیق علوم کمپیوتر بمنظور نیل باستقلال علمی و فنی در این رشته (عدم وابستگی به سیاست‌های متغیر کمپانیهای بزرگ سازنده کمپیوترها).

۱۱- تهیه استانداردهائی برای ساختمانهای آموزشی و آزمایشگاههای علمی از طرف وزارت علوم بمنظور جلوگیری از احداث ساختمانهای مجلل فاقد ارزش آموزشی و پژوهشی.

۱۲- تهیه ضوابطی که طبق آن صاحبان صنایع دریافت کننده کمک از دولت موظف باشند چند درصد کوچکی از کمک را زیر نظر وزارت علوم بمصرف تحقیق در رشته مورد نظر برسانند.

۱۳- تهیه مقدمات انجام سهم قابل ملاحظه‌ای از تحقیقات علمی مملکتی در سازمانهای دفاعی. چهار پیشنهاد بالا بمنظور کمک بتوسعه تحقیقات در نظر گرفته شده است.

۱۴- آغاز يك برنامه گسترده و سیستماتیک در تمام سطح کشور بوسیله وزارت فرهنگ و هنر بمنظور تدوین و چاپ جزوه‌های کوچکی که معرف هر يك از آثار ملی، هنری و فرهنگی کشور باشد (متناسب با اهمیت اثر).

۱۵- تهیه و اجرای طرحی بوسیله وزارت فرهنگ و هنر بمنظور توسعه کاربرد علم و تکنولوژی در خلق، کاوش، بررسی و نگاهداری آثار هنری و ملی.

حال که فهرست پیشنهادها بعرض رسید بذكر سه

استدعا که بعث حساسیتی که دارند بر آنها نام هشدار نهاده‌ام می‌پردازم.

۱- پرهیز از توسعه نامتناسب سازمانها و انستیتوهای جدید التاسیس تحقیقاتی مستقل بقیمت تضعیف تعلیمات عالی کشور.

۲- پرهیز از تجدیدنظرها مکرر در برنامه‌های آموزشی دوره‌های راهنمایی و دبیرستانی بدون کسب نظر مشورتی سازمانهای علمی کشور و جلب قبول عامه مردم.

۳- پرهیز از تأسیس مؤسسات آموزش عالی دولتی و ملی بدون حصول اطمینان کامل از رعایت استانداردهای قابل قبول.

امیدوارم این پیشنهادات مورد توجه کامل قرار گیرد و به هشدارها عنایت کافی مبذول گردد. در خاتمه عرایض می‌خواستم مطلبی را بعرض نمایندگان محترم مخصوصاً نمایندگان اکثریت برسانم و بعرایض خاتمه بدهم اغلب نمایندگان اکثریت بافلیت خرده میگیرند که چرا شما همیشه مشکلات - کمبودها و نارسائیها را می‌بینید. و از عظمت کارهایی که انجام شده سخن نمی‌گوئید حتی گاهی در نهایت کم لطفی ما را به بدبینی متهم میکنند. شاید مثالی که می‌خواهم عرض نمایم پاسخ این دوستان گرامی باشد.

کسانیکه با آزمایشگاههای مطالعات خورشیدی سروکار دارند میدانند که در این آزمایشگاهها اکثر محققین به بررسی و بحث درباره تابندگی و درخشندگی خورشید مشغولند ولی اقلیتی از محققین هم روی لکه‌های سطح خورشید مطالعه میکنند. با وجودیکه توجه دسته اول به نور و روشنائی و تابندگی و گرمی و انرژی خورشید و توجه دسته دوم به تنوع، شماره بزرگی و عمق لکه‌های سطح خورشید است معهدا هر دو دسته از عظمت درخشش خورشید غافل نبوده و در این امر متفق القول میباشند. درخشندگی خورشید سعادت ملت ایران در سنوات اخیر انکار ناپذیر است ولی با همه عظمت در چهره این خورشید لکه‌هایی هم وجود دارد.

امیدوارم بهمت ملت و دولت بروز بروز از شماره بزرگی و عمق این لکه‌ها کاسته شود. بیائید اقلیت و

اکثریت باهم آرزوی روزی را کنیم که اثری از این لکه‌ها بر چهره خورشید تابان اجتماع مترقی ایران نباشد -

بامید آن روز (احسن. احسن).

رئیس- خانم دکتر طالقانی- پس از حمد بزادگان آفرین

- ثنا باد بر شاه ایران زمین (احسن).

ریاست محترم، همکاران ارجمند: واقعا جا دارد که حمد و سپاس و ستایش خدای بزرگوار را بجا آوریم که شامشاهی قادر و بصیر و توانا بمارزانی داشته که بامساعی و تلاش و تفکر و با اندیشه‌های تابناک خود هر روز دری از اقبال و سعادت را بر روی ملت ایران میگشاید و افتخار و غرور و وسائل آسایش و رفاه و آسایش برای ما خلق میکند (صحیح است).

خدارا سپاس گوئیم که رهبری این سرزمین کهنسال را بدست برومند مردی سپرده که اندیشه تابناکش از مرزها گذشته و راه گشای کشورها و ملت‌های دیگر گشته و بجاست که بگوئیم.

جهان را دل از شاه خندان بود

که بر چهره او فر یزدان بود (احسن)

و این افتخار را داریم که شاهنشاه مامرد سال شده‌اند.

بسیار مفتخرم که این فرصت بمن داده شد تا در بحث بودجه برنامه‌ی عظیم بعنوان موافق صحبت کنم و از شما شرمندم که در این آخر شب با سخنان خودم تصدیق خاطر بدهم ولی وظیفه دارم زیرا: شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

بودجه (۲۴۴۷) دوهزار و چهارصد و چهل و هفت میلیارد ریالی و برنامه عظیم آن بخودی خود مدافع بسیار گویا برای دولت حزبی و کارنامه تحسین انگیز و آئینه تمام نمایی از کار و فعالیت و برنامه‌های اجرائی دولت جناب آقای هويداست و احتیاجی ندارد که بنده با بضاعت مزجاتم بعنوان موافق در آن صحبت کنم و در واقع تحسین و تعریف من درست مانند شمعی در مقابل انوار درخشان خورشید خواهد بود بسیار کم نور و کم فروغ است. و در واقع باید گفت، چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.

این بودجه که بر اساس اطلاعات علمی تهیه و بر برنامه‌ی گویا و روشن و عظیم استوار است گویای رشد ۴۰٪ اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، ثبات سیاسی، امنیت بیشتر بر اساس تقویت قوای دفاعی و تأمین رفاه عمومی و شکوفائی آموزش کشور است و خود بهترین سند گویای کار و کوشش و تلاش صادقانه و صمیمانه دولت حزبی در اجرای منویات گهربار شاهنشاه آریامهر است. (صحیح است).

سهم بنده در این بحث صحبت پیرامون آموزش کشور از سطح کودکان تا آخرین مدارج علمی دانشگاهی است ولی اجازه می‌خواهم قبل از آنکه وارد بحث اصلی شوم به چند نکته آموزشی که جناب آقای فرهادپور و جناب آقای زهتاب فرد بآن اشاره کردند پاسخ دهم.

جناب فرهادپور فرمودند: تعداد دانش آموزان فن و حرفه به نسبت شاگردان رشته طبیعی و ریاضی فوق العاده کم است و باینجا مملکت تطبیق نمی‌کند.

جناب فرهادپور، مقایسه تعداد دانش آموزان فن و حرفه با شاگردان رشته طبیعی و ریاضی صحیح نیست باید تعداد شاگردان این رشته را با سال ۴۲ مقایسه کنید از طرف دیگر مثل اینکه شما خواست خانواده‌ها و سونت‌ها را فراموش کرده‌اید، آیا خودبنده و شما در چند سال قبل حاضر بودیم که فرزندان رشته فنی و حرفه‌ی رابه بیند؟ آیا آرزو نداشتیم که فرزندانمان مهندس، دکتر یا حقوق دان و سایر تحصیلات نظیر اینها را داشته باشند و هر کس از غنی و فقیر نمی‌کوشید که فرزند خود را به این رشته‌ها بکشاند؟ و حتی ذوق و سلیقه و استعداد فرزندان خود را در نظر نداشتیم ولی در ده سال اخیر وزارت آموزش و پرورش و دولت حزبی کوشیده تا افکار را عوض کند و بمردم بفهماند که هر فردی که کار خوب سودمند بجامعه عرضه کند قابل احترام است، بتدریج خانواده‌ها را هشیار کرد که با استعدادها توجه نمایند و سعی نمایند که استعداد و ذوق فرزند خود را پرورش بدهند. مردم را آگاه کرد که مملکت رو ب صنعتی شدن می‌رود و نیاز کشور به کارگر ماهر و نیمه‌ماهر و تکنیسین و نیروهای متخصص ماهر فنی هر روز بیشتر می‌شود و بدین طریق هر سال بر تعداد داوطلبان

رشته فن و حرفه افزوده شد که بهترین گواه این تلاش مقایسه آمار داوطلبان سال ۴۲ با سال ۵۳ است. در سال ۴۲ تعداد دانش آموزان این رشته (۱۰/۴۶۷) ده هزار و چهارصد و شصت و هفت نفر بود در حالیکه این رقم در سال ۵۳ به (۱۱۰/۰۰۰) صد و ده هزار نفر رسید یعنی نزدیک به ده برابر بدون شك بر تعداد این عده هر سال افزوده و نگرانی شما بر طرف خواهد شد. و تصدیق می‌فرمائید که دولت حزبی وظیفه خود را انجام داده است.

جناب فرهادپور، فرمودید کادر رشته فنی - مدارس - فنی و حرفه‌ی نیست و کاروزارت آموزش و پرورش سواد آموزی است کاروزارت آموزش و پرورش آموزش است پس می‌تواند آموزش فن و حرفه را نیز شامل شود و اما برای اینکه در دوره دوم نظام جدید در رشته فنی و حرفه کادر فنی داشته باشد از دو سال قبل عده‌ی رابکشورهای خارج برای کارآموزی فرستاده که عده‌ی بازگشته اند و بتدریج گروه‌های دیگر باز خواهند گشت و این گروه‌ها ضمن آنکه در آغاز کار تدریس رشته‌های فنی را بعهده می‌گیرند معلم معلمان دیگر خواهند بود و گروه‌های جدیدی را تربیت می‌کنند بعلاوه کلیه وسایل لازم تهیه شده و آنچه در ایران نبوده از کشورهای صنعتی خارج خریداری شده که به تدریج می‌رسد و قراردادهایی برای رفع این کمبودها با کشورهای خارجی بسته‌اند که این نگرانی‌ها بکلی مرتفع گردد و حتی در نظر است که کارخانه تهیه وسایل مورد نیاز رشته‌های فنی و حرفه‌ی در ایران تأسیس شود.

اما جناب فرهادپور و جناب زهتاب فرد، راجع به کمبود معلم فرمودید همین امسال از تابستان تا بحال که بیش از ۳۵ هزار معلم جدید استخدام شده است و وقتی با مسئول اینکار صحبت می‌کردم میگفت که دیگر داوطلب واجد شرایط وجود ندارد مراکز تربیت معلم توسعه و گسترش یافته و از طرفی تربیت یک معلم ساده ۱۲ سال و یک معلم متخصص حداقل ۱۴ سال زمان می‌خواهد و تربیت دبیر ۱۶ سال زمان می‌خواهد در حالیکه از عمر انقلاب آموزشی ۱۰ سال گذشته. بنابراین کمبود معلم امری طبیعی

خودمان را با تمام کشورها مقایسه کنیم بودجه مان را با بودجه آمریکا مقایسه می‌کنید پس فرهنگ هم باید با فرهنگ آمریکا مقایسه شود.

خانم دکتر طالقانی - باستناد فرمایشات جناب آقای آزادمعلم و استاد رانمی شود با عجله تهیه کرد معلم ۱۸ سال باید تحصیل کند اگر فوق لیسانس باشد باید بیست سال تحصیل کند البته جناب آقای دکتر آزاد نهایت حسن نیت را داشتند و گزارش را خواندند ما هم خوانده بودیم این گزارش مربوط به ۶ سال قبل بود و آقای حسن صفاری آنرا تهیه کرده‌اند (عباس میرزائی - از پرده برون افتد راز).

تمام این مسائل و اشکالات در کنفرانس آموزشی بعرض شاهنشاه رسید و همه کوشش‌ها و امکانات برای بهبود و برای جبران عقب ماندگی‌های ده ساله می‌شود هیچوقت کوشش‌ها را نادیده نگیرید این ناسپاسی است (فرهادپور - این مطالب با آنچه که در کمیسیون می‌گفتید مغایر است) آقای دکتر آزاد مطالبی فرمودند که اگر من بخواهم همه را پاسخ بدهم در این فرصت کم مقدور نیست اما جناب آقای دکتر آزاد شما بهتر میدانید هر ساله از وجود هفت هزار دانشجو در سطح مدارس استفاده می‌شود اینها به مشکلات کار مملکت آشنایی شوند و تجربه هم می‌آموزند و برای قبول مسئولیتهای بزرگتر آماده می‌شوند و از این طریق هم کمک مادی بآنها می‌شود هم کمک معنوی (خانم جهانبانی - تعداد این دانشجویان ۱۶ هزار نفر است) بلی عده‌ای از این دانشجویان متناسب بارشته هایشان کارآموزی هم می‌کنند.

عباس میرزائی - آفرین بر شما که بما چیزهایی یاد دادید. چون آقای دکتر آزاد همه اش مطالعات ۶ سال پیش را گفتند.

خانم دکتر طالقانی - آقای زهتاب فرد فرمودند که افراد لازم‌التعلیم چند درصد است؟ در اواخر برنامه پنجم ۹۶ درصد در شهر و ۷۴ درصد در روستا است البته پیش‌بینی‌های لازم هم شده که همراه با سایر دگرگونیها این اعداد هم دگرگون می‌شود و برنامه‌ها بهمان نسبت تغییر پیدا میکنند اما جناب آقای دکتر آزاد فرمودند چرا ما در چند سال پیش برای افزایش ظرفیت دانشگاه‌هایمان

است ولی وزارت آموزش و پرورش کوشیده بهر نحو که شده این کمبود را مرتفع سازد.

اما جناب آقای فرهادپور و جناب آقای زهتاب فرد شما می‌دانید که فرمان مقدس صدرصد رابگان شدن مدارس در سطح کودکان تا آخر دوره راهنمایی تحصیلی و با سپردن تعهد برای سالهای بعد و رابگان شدن دوره فن و حرفه درست در حدود ۲۰ شهریور صادر شد و با قانون مجازات اولیائی که فرزندان خود را از تحصیل محروم نمایند که خودمان قبل از فرا رسیدن تعطیلات تابستان امسال تصویب کردیم بانوجه بفرمان و این قانون درست در اوایل مهرماه حدود یک میلیون شاگرد بیش از آنچه پیش‌بینی شده بود بمدارس روی آوردند. این حدود یک میلیون شاگرد را بحساب آنکه در هر کلاس حدود ۵۰ نفر بنشینند حدود ۲۰ هزار کلاس و بیست هزار معلم و بیست هزار صندلی و دوسه هزار مدیر و ناظم و پیشخدمت و سرایدار می‌خواهد وزارت آموزش و پرورش به پیروی از منویات شاهنشاه و بحکم فرمان مقدس رهبر خردمند همه داوطلبان را بکلاس فرستاد حتی اگر زیر چادر بود این اقبال در تاریخ جهان آموزشی بی نظیر است (صحیح است).

در این مدت کوتاه اعلام جهاد آموزشی شده بود شب و روز اولیاء آموزش و پرورش و دستگاہ دولت حزبی کار می‌کرد حتی مرخصی‌ها زده شده بود آیا شما این تلاش و این کوشش مقدس رانمی‌ستائید؟

فرهاد پور - مقدس بودنش را شك نداریم ولی معلم کم است.

خانم دکتر طالقانی - ما هم معتقد هستیم، جناب آقای وزیر آموزش و پرورش هم اعتقاد دارند اما شما نیروی سپاه دانش را فراموش کرده‌اید من در کشور ترکیه بودم وقتی نحوه مبارزه با بیسوادها را تشریح کردم تمام سمنار و کمیسیون‌ها بعداً پیرامون این مطلب صحبت می‌کردند امروز حتی دختران مابعنوان سپاهی دانش بروستاها می‌روند و واقعاً کارشان تحسین انگیز است (صحیح است) البته ما معلم کم داریم ولی کوشش میکنیم که بر طرف بشود و دولت کوشش خودش را کرده است.

فرهاد پور - ما ده سال بعد از انقلاب حق داریم

فعالیت نکردیم؟ اما شما بهتر باید بدانید که هر طرحی هر پروژه‌ای بر پایه اقتصاد آن مملکت استوار است مادر آن زمان این امکانات را نداشتیم حالا که در سایه عنایات شاهنشاه امکانات زیاد شده دقیقه‌ای از تلاش در این راه کوتاهی نخواهد شد و هیچ مسئولی هم بخودش اجازه نمیدهد در زمان مسئولیت خودش این دقیق‌را از دست بدهد (صحیح است) آقای دکتر آزاد شما میدانید که در زمان قبل از مشروطه و قبل از عصر پهلوی ما یک مدرسه بنام دارالفنون داشتیم و یک مدرسه سپهسالار که این را میرزا حسین سپهسالار در زمان ناصرالدین‌شاه ساخته بود و تعداد محصلین آن از چند صد نفر تجاوز نمی‌کرد.

عباس میوزانی - آقایان خیال می‌کنند که معلم تربیت کردن مثل دبیر کل عوض کردن است که هر روز بشود یک نفر دیگر را آورد.

خانم دکتر طالقانی - اما جناب آقای دکتر آزاد امروز ۱۱۸۵ مدرسه در سطح شهر و روستاها داریم با هفت میلیون شاگرد که در ۱۵۰ هزار کلاس درس می‌خوانند و ۲۷۰ هزار کارمند آموزشی و غیر آموزشی داریم که در خدمت نوابوگهان کشور هستند آقای دکتر آزاد جنابعالی استاد علوم هستید من نمی‌توانم خودم را استاد بگویم اما در دانشسرای تربیت معلم تدریس میکنم شما بهتر میدانید یک بنائی را که بخوانند بسازند اول پایه و اساس آنرا میسازند، در امر آموزش هم دبستان و دبیرستان پایه و اساس آموزش عالی است هم دولت اول باید مصروف این پایه و اساس بشود که هر چه بهتر استوار کند بعد آموزش عالی را بنحوی که شایسته عصر پهلوی است بسازد (احسن) البته همان‌طور که عرض کردم فرصت کافی نیست که همه مطالب را بگویم این است که بر میگردم به اصل موضوع خودم، این امر تغذیه رایگان دانش آموزان. اگر بمنزل ما چند هم‌مان سرزده وارد بشود همه به جنب و جوش می‌آیند و ناراحت میشویم که مبادا وسایل پذیرائی آماده نشود اما از اول مهر ماه حدود شش میلیون نو آموز و دانش آموز در سطح کشور در ساعت ۱۰ تغذیه شدند و یکروز هم در این کار وقفه نبود. فکر تغذیه کودکان و

و نوجوانان که مولود افکار ذاهمانه شاهنشاه بود و بصورت فرمان صادر شد دارای ثمرات بسیار سودمند است و اجرای صحیح و بموقع و مداوم برای هر روز نیز شایان تحسین و تقدیر و جا دارد که از پشت این تریبون از طرف مردم ایران در درجه اول به شاهنشاه خود درود بفرستیم و سپس دولت حزبی و کلیه مجریان این برنامه سنگین و مفید را تقدیر و تحسین کنیم و بحق بگوئیم که انقلاب اداری در این زمینه به ثمر رسیده است.

تغذیه رایگان علاوه بر آنکه جسم و روح شاگرد را قوی و او را علاقه‌مند به مدرسه میکند سطح تولید را در شهر و روستا بالا میبرد و بخصوص دانش آموزان متوجه رشد سریع و وضع اقتصادی مملکت مینماید و من غیر مستقیم آنان را بیشتر بابائیان این پیشرفت آشنا و مأنوس میسازد.

مسئلاً وزارت آموزش و پرورش در تربیت و انتخاب معلم و تهیه مکان و پرورش کودکان همه ساله سعی خود را چند برابر کرده و میکند دقیقه‌ای از این مهم غافل نخواهد بود. چنانکه برای تأمین محل از تمام امکانات موجود معماری و خانه‌سازی جدید استفاده کرده و باقراردادهائی که با چند کشور بسته با تهیه مدارس از پیش ساخته شده کمبود محل و مناسب نبودن محل همه مرتفع و این نگرانی‌ها هم از بین خواهد رفت.

چند نکته آموزشی هم جناب احتشامی فرمودند که همکار ارجمندم جناب صفی‌نیا پاسخ دادند.

قبلاً عرض کردم که افتخار دارم در بحث بودجه پیرامون آموزش از سطح کودکان تا عالیترین مدارج دانشگاهی صحبت کنم اما از آنجا که در جهان امروز ما آموزش نمیتواند به چهارچوب کلاس و مدرسه و دانشگاه محدود شود ناچارم پیرامون وسایل ارتباط جمعی و تأثیر شگفت‌انگیز آن در سازندگی و آموزش جامعه بخصوص جوانان و نوجوانان کوتاه سخنی بعرض برسانم.

مدرسه و دانشگاه در مفهوم سنتی آن دیگر بخش اعظم مسئولیت آموزش کلی را در تمام سطوح بر عهده ندارند. بعبارت دیگر آموزش جوان و نوجوان به آنچه در مدرسه بیاموزد محدود نمیشود زیرا کودک و جوان و نوجوان امروز به آموزش از طریق وسایل ارتباط جمعی

دیدگاهی کاملاً متفاوت با آموزش از طریق مدرسه دارد و این آموزش را با جان و دل و با کمال میل و رغبت می‌پذیرد.

از طرف دیگر تأثیر وسایل ارتباط جمعی غیر قابل تردید است و میتوان گفت که وسایل ارتباط جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون و صفحات، جهان آموزش امروز جوانان را تشکیل میدهد از مجلات گرفته تا تلویزیون، رادیو صفحه‌های تصنیف و روزنامه و کتاب و غیره و همه و همه آموزگاران و مربیان استادان خوش خلق و کم توقع جوانان امروز ما هستند. البته باید اعتراف کرد که در بخش رادیو و تلویزیون کلیه مسئولان امر میکوشند که مواد و برنامه‌هایی در دسترس همگان بگذارند که همگان را خوش آید و لذت و تفریح آنان حاصل شود و مسلماً شور و تلاش و علاقه‌مندی کارکنان این دستگاهها که اغلب جوانان پر شور و علاقه‌مند هستند قابل تقدیر و تحسین است ولی نباید از تأثیری که این دودستگاه در روحیه و اخلاق اجتماع و آموزش گروههای مختلف بخصوص جوانان و نوجوانان دارد غافل بود و از آن بنحو مطلوب استفاده نکرد مسلماً این دستگاهها باید کوشش بیشتر داشته باشند که برنامه‌ها را حاوی مطالب شیرین و در عین حال آموزنده‌تر بکنند بنحوی که برنامه‌ها و مطالب ضمن جاذبه تأثیر آموزشی نیکو در برداشته باشد و هرگز دقیقه‌ای از تأثیر شگفت‌انگیز این دودستگاه در راه سازندگی جامعه بخصوص جوانان غافل نباشند.

عصر پهلوی بخصوص این دهسال اخیر کشور ما در تمام شئون چنان دگرگونی یافته چنان پیشرفت کرده که میتوان از این دگرگونیها یک حماسه ملی ساخت (احسن).

میدانید که یکی از خصوصیات حماسه آنستکه داستانها و مضمون و محتوای آن سالهای درازی را پشت سر گذاشته باشد و پهلوانیها و دلوریه‌ها و داستانهای آن طی زمان بصورت بزرگتر و خارق‌العاده‌تر درآمده باشد. عجب آنکه تحولات عصر پهلوی آنچنان سریع و شگفت‌انگیز بوده که خود بخود اعجاب انگیز است و واقعاً جادارد که مضمون و محتوای یک اثر حماسی قرار گیرد. مثلاً وضع آموزشی مملکت در عصر انقلاب شکوفانی خاص داشته و جهشی از نظر کمی و کیفی داشته است که مقایسه آمار

دانش آموزان سال ۴۳ با سال ۵۳ و آمار کارکنان این دوقاصله ده‌ساله این واقعیت را نمایانگر است.

و میرساند که وزارت آموزش و پرورش ضمن دگرگونیهای اساسی و بنیادی بر نامه‌ریزیهای دقیق و همه جانبه توسعه کمی و کیفی داشته و در این راه کوشا و موفق بوده مثلاً نسبت تعداد نوآموزان کودکان در سال ۴۲ به ۵۳ هشت برابر بوده، تعداد دانش آموزان فن و حرفه در سال ۵۳ در حدود ۱۰ برابر سال ۴۲ شده است در وزارت آموزش و پرورش حدود هفت میلیون دانش آموز در بیش از یکصد و پنجاه هزار (۱۵۰/۰۰۰) کلاس تحصیل میکنند و حدود دوست و هفتاد هزار کارمند و کارکنان آموزشی و غیر آموزشی در خدمت این هفت میلیون هستند با توجه باینکه تعداد کل کارمندان کشور رقمی در حدود چهار صد هزار است تصدیق میفرمائید که وزارت آموزش و پرورش از نظر کمیت اقیانوس بیکران و از نظر کیفیت کارخانه انسان‌سازی و بی‌ریز اجتماع است و هر بودجه‌یی که باین وزارتخانه داده شود سرمایه ایست که اندوخته میشود و فزونی می‌یابد زیرا کودکان و جوانان ماسرما به‌های آینده کشور هستند و پول و وقتی که صرف تربیت آنان میشود یک نوع سرمایه‌گذاری است که بازده بسیار عالی دارد و این بازده استحکام پایه‌های اجتماع آینده و نیروی انسانی ماهر و گرداننده اجتماع فردای بهتر از امروز است (احسن).

خوشبختانه بعد از بودجه دفاعی کشور بودجه وزارت آموزش و پرورش رقم چشمگیری است که بخصوص برای رفاه دانش آموزان اقدامات مؤثر شده که سرلوحه آن تغذیه و تحصیل رایگان است. یکی از اقدامات جالب برای دانش آموزان دبیرستانی تحصیل رایگان در مقابل سپردن تعهد خدمت پس از اتمام تحصیل است این امر میرساند که اقتصاد مملکت در رشد سریعی است و کشور مادر آینده چقدر نیاز به نیروی انسانی تربیت شده دارد و صنعت و تکنیک او همچنین روبه پیشرفت سریع است و از همه مهمتر این تعهد خود تضمین و بیمه‌ایست در مقابل بیکاری جوانان در آینده و آنها نمیتوانند بدون هراس از آینده با فراغ خاطر تحصیل خود ادامه دهند.

در امر آموزش، معلم رکن اصلی کار است زیرا معلم خوب و دلسوز حتی زیر چادر و گاهی بانبودن وسیله و

برنامه میتوانست ساعات و دقائق را برای کودک و نوجوان شربخش کند و از آنان انسانهای واقعی وطن پرست و شاه دوست بسازد از اینرو جادار دارد که وزارت آموزش و پرورش در انتخاب و تربیت معلم نهایت کوشش و سعی را بنماید.

مقام معلم از نظر سازندگی که در اجتماع دارد برای همه معزز و درخور تجلیل و ستایش است و باید بمقام معلم احترام گذاشت و رفاه و آسایش او را تأمین نمود.

خوشبختانه در بودجه سال ۵۴ به برنامه های رفاهی معلم از نظر وام و مسکن و بیمه عمر توجه شایانی شده است و من پیشنهاد میکنم که جناب وزیر آموزش و پرورش مقرر دارند که تا شعبه فروشگاههای تعاونی از نظر رفاه بیشتر معلمین در بخشهای آموزش و پرورش دایر گردد. کتاب یکی دیگر از لوازم شاگرد و مدرسه است. در چند سال اخیر در بهتر نمودن محتوای کتاب درسی کوشش بسیار شده اما جادار دارد که به نظریات معلمین که هر روز با این کتابها کار دارند و به قدرت کسب و جذب دانش آموزان واقفند توجه بشود و نظریات معلمین را در پایان هر سه ماه تحصیلی بخواهند و بسازمان کتب درسی بدهند تا این سازمان با توجه بآن نظریات کتب را هر سال از سال پیش سودمندتر و مفیدتر و قابل استفاده تر بکنند.

تلاش صادقانه و شجاعانه هزاران تن از جوانان کشور پسر و دختر در کسوت سپاه دانش که بهمت نیروی جوانی و صفای باطن مشعل دانش را به اقصی نقاط و دورترین روستاهای ایران برده اند قابل ستایش است. یکی از تجلیات عهد انقلاب همین تلاش پاک و پرمهر سپاهیان دانش است.

سپاهیان دانش علاقه مند که با شور و هیجان خدمت مقدس خود را بپایان میرسانند در میان مردم محل، جایی برای خود باز کرده اند و پیر و جوان و کوچک و بزرگ برای آنان احترامی قائل اند و این خدمت مقدس، آنان را بصورت قهرمانان ماجراهای عالی انسانی در آورده است.

در عصر آریائی جمله طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة بمرحله اجراء در آمده و با استفاده از نیروی جوان و کمک دستگاهها دولت حزبی ما به پیروی از منویات شاهنشاه آریا مهر می کوشد تا این قتر معنوبرا از میان

جامعه ریشه کن سازد زیرا می داند که لافقر باشد من الجهل همه بخاطر دارند که شاهنشاه ما برای جهاد با این فقر معنوی در سطح جهانی از نیروی کلیه کشور هامدند خواستند و در شهریور ۱۳۴۴ نخستین کنگره مبارزه با بیسوادی سازمان بین المللی یونسکو در ایران تشکیل شد و شاهنشاه در نطق افتتاحیه این کنگره پیشنهادی فرمودند که با مصالح عالی جامعه بشری تطابق داشت در این پیشنهاد توصیه شده بود که کشورهای جهان قسمت محدودی از اعتبارات نظامی خود را برای کمک به امر مبارزه با بیسوادی در اختیار سازمان یونسکو قرار دهند این پیشنهاد که جنبه انقلابی داشت با اتفاق آراء در کنگره بتصویب رسید و کشور ایران مفتخر است که اولین کشوری بود که عملاً در اجرای این نظر اقدام کرد و با تصویب پارلمان هفتصد هزار دلار از بودجه نظامی ایران را برای آن بیکار مقدس در اختیار سازمان یونسکو قرارداد.

بدین طریق یکی از اصول انقلاب یعنی سپاه دانش از مرزهای ایران قدم فراتر گذاشت و در مدتی کوتاه بصورت يك نهضت جهانی درآمد و امروز سازمان ملی بیکار با بیسوادی با کمک وزارتخانه های آموزش و پرورش، کار، تعاون و امور روستاها، ارتش، ژاندارمری با طرح برنامه های جامع در ریشه کن کردن بیسوادی میکوشد.

یکی از مفاد فرمان شاهنشاه گسترش کمی و کیفی آموزش و پرورش و استفاده از تلویزیون ماهواره ای بود که در اجرای او امر ملوکانه وزارت آموزش و پرورش مسئولانی برای این امر مهم تعیین کرد تا با کمک سازمان برنامه و بودجه، اداره هواشناسی، هواپیمائی ملی، سازمان رادیو تلویزیون و وزارت علوم و آموزش عالی در پیاده کردن این امر مهم میکوشند.

آموزش ملی و میهنی - وزارت آموزش و پرورش برای بالا بردن سطح دانش ملی و میهنی دانش آموزان مرکز مطالعات و تحقیقات ملی و میهنی در وزارت آموزش و پرورش تأسیس کرد که این سازمان در بالا بردن دانش سیاسی و ملی و میهنی معلمین و دانش آموزان با نشر کتب و تربیت معلم مخصوص و ایجاد جلسات میکوشد و کتابهایی نظیر مارکس و مارکسیسم،

تاریخ مختصر عقاید اقتصادی مارکسیسم اسلامی يك نیرنگ استعمار، چاپ و توزیع نموده است.

همانطور که عرض کردم عصر پهلوی عصر انقلاب و شکوفائی آموزشی است بخصوص در ده سال اخیر قبل از دوران پهلوی در کشور ایران فقط يك دانشگاه بنام دارالفنون و يك مدرسه عالی بنام مدرسه سپهسالار در کنار همین مجلس وجود داشت که تعداد شاگردانش از چند صد نفر تجاوز نمی کرد و مقایسه آمار دانشجویان در ده سال اخیر سیر تحول تعلیمات عالی در ایران بخوبی روشن میگردد. در ده سال قبل تعداد دانشجویان بیش از ۲۴ هزار نفر بود در حالی که در سال ۵۳ تعداد دانشجویان داخل کشور به ۱۴۰ هزار نفر بالغ گشته که با احتساب دانشجویان خارج از کشور که عده آنها در حدود ۴۰ هزار نفر می شود رو بهم این عده ۱۶۳ هزار نفر می شوند و این رشد دولت رابارها ناگزیر ساخته که در فاصله های کوتاه در برنامه های عمرانی و اقتصادی خود به تجدید نظر های بنیادی و اصولی دست بزند و حجم اعتبارات مربوط با آموزش عالی را مرتباً افزایش دهد.

امروز این عده از دانشجویان یعنی ۱۲۳ هزار نفر در متجاوز از ۲۰۰ دانشگاه و مؤسسه عالی و در بیش از ۶۷ رشته مشغول تحصیل هستند و روز بروز بر تعداد مدارس عالی و دانشگاهها افزوده می شود.

توسعه سریع دانشگاهها و مؤسسات عالی در نقاط مختلف کشور موجب شده که نیاز فوری و مبرم بوجود استادان در رشته های گوناگون برای تدریس افزایش یابد برای تأمین این نیاز علاوه بر دانشجویانی که با استفاده از بورسهای علمی کشور های خارجی رفته اند تعدادی هم بورس از طرف وزارت علوم و آموزش عالی در اختیار واجدین شرایط گذاشته شده که پس از اخذ تخصص بوطن باز می گردند و بتدریس در دانشگاهها و مؤسسات عالی جدید التاسیس خواهند پرداخت.

رقم فارغ التحصیلان دانشگاههای داخلی و خارجی گویانکه تکافوی تمام احتیاجات جامعه متحول ما را از نظر نیروی انسانی متخصص نمی نمایند لهذا امیدوار کننده است و با توجه باینکه رقم دانش آموختگان داخل و خارج رو بهم در سال ۵۵ به سی و چهار هزار و چهار

صد خواهر رسید و نیاز مملکت با افراد تحصیل کرده و متخصص در آینده نزدیکی مرتفع خواهد شد.

مسأله کمک و رفاه دانشجو از جمله مسائلی بود که در سراسر اوچه برنامه دولت حزبی بوده زیرا شاهنشاه بر رفاه جوانان توجه خاص دارند. علاوه بر کمک هزینه تحصیل و تحصیل رایگان در مقابل تعهد خدمت کمک هزینه مسکن هم بآنها داده می شود و از وجود آنان برای کار آموزشی در آموزش کشور و سایر دستگاهها استفاده می گردد تا هم از نظر مادی، کمکی بآنان بشود و هم با قبول کار و مسئولیت بکار های مملکت آشنا و آماده برای خدمات بزرگتری بشوند.

کمک دولت بدانشجویان خارج از کشور نیز حائز اهمیت است و از توجه دولت بشل جوان باید تشکر و سپاسگزاری نمود:

یکی از خدمات جوانان کار در اردوی عمران ملی در تابستان گذشته بود و اقلام بودجه نشان می دهد که تحول بزرگی در کشور آغاز شده و طبقه جدیدی بسازندگان زیربنای دوران شکوفائی انقلاب اضافه می شود زیرا جوانان مبادر تابستان گذشته يك تجربه عظیم موفقیت آمیز را پشت سر گذاشتند و از بوته آزمایش سربلند و پیروز بیرون آمدند. در تابستان گذشته بیش از دو هزار دانشجوی دختر و پسر برای مدت دو ماه در سراسر کشور در اردوهای عمرانی بکار مشغول شدند و برای رفع نیاز خواهران و برادران روستاهای دور و نزدیک خود تلاش نمودند این يك نوع جهاد ملی بود نشان داد که در مواقع ضروری ملت ایران بر اساس وحدت ملی و همبستگی اجتماعی در هر کجا که لازم باشد مشت بردهاں یاوه گویان و متجاوزین می کوبند.

در طول قرن ها تاریخ هر گز چنین موقعیتی فراهم نشده بود که چنین نیروی در جهت سازندگی بکار افتد سال گذشته شاهنشاه دولت خدمتگزار حزبی را مأمور استفاده از این نیروی عظیم و پرشور برای عمران و پیشرفت نموده که منشاء خلاقیت و سازندگی شد. آنچه پس از آن اردوی عمرانی بجامانده هزارها مسجد، مدرسه، حمام، کتابخانه، مهد کودک، خانه انصاف، دیوار، جاده و راه است که اکنون مورد استفاده تعداد فراوانی از

مردم شهروروستاست علاوه بر هزاران کارهای بهداشتی و آموزشی که بدست توانای این جوانان بر موندانجام شد. فرهنگ و هنر.

وقتی از آموزش صحبت میشود سزاوار نیست که از فرهنگ و هنر صحبتی بمیان نیاید زیرا فرهنگ به کلیه انسانهای يك قوم بستگی و با آموزش بخصوص خوبی و پیوستگی خاص دارد.

کلمه فرهنگ که همان کولتور باشد از کلمات اصیل فارسی است که بمعنای آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، علم و دانش و خرد آمده است اما بطور کلی فرهنگ بمعنی کلیه آفرینشهای فکری و ذوقی قوم و ملتی است که بصورت گوناگون از قدیمترین ایام تا بحال از آن قوم و ملت باقی مانده است.

یکی از مفاخر ملت ایران فرهنگ کهن و غنی آنست که در عصر پهلوی بخصوص در این دهسال اخیر به حفظ و نگهداری و ترمیم و گسترش آثار غرور آفرین آن توجه بسیار شده و تأسیس وزارت فرهنگ و هنر بامر شاهنشاه در سال ۱۳۴۴ خود مؤید توجه بسیار بر حفظ آثار فرهنگی و شناخت، گسترش فرهنگ غنی ایران در سایر کشورهاست همچنین نگاهداری زبان در پایگاه والای دیرین خود و حفظ آثار باستانی و تاریخی و کاوشهای باستانشناسی و تشکیل و ایجاد موزه و تشویق و ترغیب هنرمندان و نویسندگان است که الحق این وزارتخانه در این رسالت نهایت کوشش را نموده و مینماید بخصوص در حفظ آثار ادبی و بزرگداشت هنر آفرینان ادب این مرز و بوم تلاش فراوان نموده است.

در این مورد هم توجه علیاحضرت شهبانوی معنی اخیای رسوم و آداب و تشویق و ترغیب هنرمندان و دانشمندان و ادبا و بزرگداشت آنان که بزرگترین خزانه معنوی را برای ما بجای گذاشته اند درخور تحسین و ستایش و سپاس و تشکر است.

همکاران ارجمند میدانند که ادبیات ما میراث گرانبهای نیاکان و یادگار فکری و ذوقی آنان است و الهام بخش هنرمندان جهان بوده است.

هرچه جهان بسوی ما شینیم می رود نیاز بشر خسته به

مغزهای که ادبیات رکن اصلی و اعظم آنست نمایان تر می گردد.

برخلاف تصور برخی در فراخنای این جهان محلی نمیتوان یافت که عقل و اندیشه بی مدد ذوق و عواطف گامی به پیش بتواند نهاد.

برای وطن جان دادن، برای شرف جان باختن و گرسنگی کشیدن و از راه راست منحرف نشدن و ایمان بخدا داشتن و بآینده امیدوار بودن را همه و همه ادبیات بمای آموزد پس می توان گفت که ادبیات آینه تمام نمای اندیشه و ذوق و عواطف يك ملت و سازنده و دگرگون کننده انسانهاست هر قدر این مظهر عالی انسانی در کشوری ضعیف شود، آن ملت ضعیف تر گشته و تنزل میکند.

بخصوص ادبیات ما که بقول شرق شناسان و دانشمندان جهان الهام بخش ادب جهان بوده و بزرگانگی چون امرسون شاعر و فیلسوف آمریکائی و گوته شاعر شهید آلمانی و کارل دانشمند و مستشرق انگلیسی آنرا سرچشمه فیاض کمال حکمت و عرفان و روح ذوق بشری دانسته اند و هر يك از آنها با هر چه در جهان ارزنده است برابر میدانند.

غرض از ذکر این مطالب آنست که ما آثار بسیار ارزنده و غنی داریم که بزرگترین سرمایه معنوی جهان محسوب میشوند.

سپاس خدا را که در عصری زندگی میکنیم که تحت توجهات رهبر عالیقدر به تمام زوایای زندگی توجه شده و برای درخشان کردن آن میکوشند.

بخصوص توجه شهبانوی فرهنگ دوست و دانش پرور ما در حفظ و احیاء و آثار و برگزیدگان خلاقین هنر غرور انگیز است که از آنجمله تشکیل جشنواره فردوسی را باید نام برد که بامر علیاحضرت شهبانو در تابستان آینده برگزار خواهد شد. تجلیل از شاعر گرانقدری چون فردوسی که بر تارک ادب و افتخار و جهان تکبیه زده درخور ستایش است.

باید یاد آور شویم که زبان و ادبیات هر کشوری دو چیز متمایز و جدا از یکدیگر است زبان آن چیزی است که روزمره برای تفهیم و تفهیم بین مردم يك سرزمین بکار

میرود. و باید آنرا بصورت کلاسیک و منظم به دانش آموز آموخت ولی ادبیات شامل آثار فکری و ذوقی يك ملت از دورترین زمان تا عصر کنونی است پس باید در مدارس و دانشگاهها زبان را به دانش آموزان و دانشجویان بیاموزند و او را از اشکالاتی که در امر تفهیم و تفهیم چه بصورت شفاهی و چه بصورت کتبی دارد برهانند. برای شناساندن ادب ایران لازم نیست که در کتب درسی از آثار نویسندگان بشکل اصلی آن که برای نوجوان و جوان غیر قابل هضم است بگذارند چه خوبست که وزارت فرهنگ و هنر، هنرمندان و نویسندگان و ادبای امروز را تشویق کنند که از مضمونهای عالی و پرمغز آن آثار بزبان ساده امروزی استفاده کنند و کتب ساده ای بنویسند از این راه جوان و نوجوان بخوبی با فکر و ذوق هنر ادبا و نویسندگان آشنا شوند آنان را بشناسند و مشتاق شوند تا با پای خود برای مطالعه آن آثار بروند و برای درک و فهم آن در تلاش و کوشش باشند ضمناً از این راه زبان آنان هم تقویت گردد.

در خاتمه عرایض يك بار دیگر از تلاش و زحمات شبانه روزی دولت حزبی هویدا در تهیه تدوین این بودجه درخشان تشکر و سپاسگزاری می کنم و امیدوارم که هر سال بودجه بی درخشان تر از سال قبل بمجلس ایران تقدیم نمایند.

و از یکتا ایزد متعال بقای عمر شاهنشاه محبوب خود را که اینهمه آوازه ها از اوست خواستارم.

از تصدیقی که دادم پوزش می طلبم (احسنت - احسنت).

۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه خواهد بود.

(پانزده دقیقه بعد از نیمه شب جلسه ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی